



Validation of Witness Testimony Hearing in the Context of Modern Technologies; Challenges and Opportunities

Hassan ali Moazen zadegan¹ | Nasrin Mehra² | Morteza Rasteh*³

1. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. Email: moazenzadegan@atu.ac.ir
2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: n_mehra@sbu.ac.ir
3. Corresponding Author: MA. in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. Email: morteza.rasteh313@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:
Manuscript Received:
29 December 2024
Final revision received:
25 May 2025
Accepted:
19 June 2025
Published online:
21 June 2025

Keywords:
Right to Confrontation,
Electronic Proceedings,
Witness Testimony,
Emerging Technologies,
Video Conference

In-person testimony in court holds a prominent position among the means of proof in criminal proceedings. However, in light of the growing advancements in technology and ongoing digital transformation, the use of modern technological platforms for taking or receiving witness testimony has emerged as a complex and controversial issue in criminal law. Despite the partial recognition of certain forms of remote testimony in existing criminal statutes, its legal validity as a primary evidentiary method in judicial proceedings remains uncertain. Accordingly, the present study—using a descriptive-analytical approach—aims to assess the evidentiary credibility and normative legitimacy of technologically enabled witness testimony. It explores the key advantages and challenges of this method and examines the legal and procedural conditions necessary for its admissibility. The findings of the research suggest that receiving testimony through digital means may offer benefits such as enhanced protection for witnesses in certain sensitive categories of offences, increased procedural efficiency, and reduced costs accompanied by improved data retention. Nonetheless, this method raises serious concerns, including the erosion of the role of in-court testimony, the potential infringement of the defendant's right to a face-to-face and adversarial hearing, and limitations arising from courtroom logistics and technical infrastructure. Despite these concerns, the negative impacts may be mitigated by formulating coherent legal policies and strict adherence to procedural and technological safeguards. Ultimately, the study concludes that technologically facilitated testimony—where certain conditions, such as the impossibility of the witness's physical attendance and the reliable attribution of the testimony to the witness, are satisfied—enjoys legal legitimacy and may be admitted as valid evidence in criminal proceedings.

Cite this article: Moazen zadegan, Hassan ali; Mehra, Nasrin; Rasteh, Morteza (2025). "Validation of Witness Testimony Hearing in the Context of Modern Technologies; Challenges and Opportunities", *Criminal Law and Crimiology Studies*, 55 (1): 111-141, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.387090.1963>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.387090.1963>



اعتبارسنجی استماع شهادت شهود در بستر فناوری‌های نوین؛ چالش‌ها و فرصت‌ها

حسنعلی مؤذن‌زادگان^۱ | نسرين مهرا^۲ | مرتضی راسته^۳ *✉

۱. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
رایانامه: moazenzadegan@atu.ac.ir

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: n_mehra@sbu.ac.ir

۳. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. رایانامه: morteza.rasteh313@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۰۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۳/۳۱

کلیدواژه‌ها:

حق مواجهه،

دادرسی الکترونیکی،

شهادت شهود،

فناوری‌های نوین،

ویدئوکنفرانس

شهادت حضوری در دادگاه، به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا، جایگاهی ممتاز در نظام دادرسی کیفری دارد. با این حال، همراستا با پیشرفت‌های فزاینده در حوزه فناوری و تحولات الکترونیکی، اخذ شهادت در بستر فناوری‌های نوین به یکی از مباحث چالش‌برانگیز حقوق کیفری تبدیل شده است. از این‌رو، با وجود پذیرش برخی مصادیق این نوع شهادت در قوانین کیفری، اعتبار حقوقی آن به‌عنوان دلیل اصلی در فرایند رسیدگی قضایی، همچنان محل تردید است. بر همین اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف اعتبارسنجی کاربری فناوری‌های نوین در اخذ شهادت شهود، به تبیین مهم‌ترین دستاوردها و چالش‌های آن پرداخته و شرایطی را که می‌تواند مبنای مشروعیت و پذیرش چنین شهادت‌هایی قرار گیرد، بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اخذ شهادت از طریق بسترهای فناورانه، دستاوردهایی نظیر «حمایت مؤثر از شهود در برخی جرایم خاص»، «تسریع در روند رسیدگی» و «کاهش هزینه‌ها و ماندگاری اطلاعات» را به‌همراه دارد. با این حال، این شیوه با چالش‌هایی همچون «تضعیف نقش شهادت حضوری»، «احتمال تضییع حق متهم در بهره‌مندی از دادرسی شفاهی و ترافعی» و «محدودیت‌های ناشی از فضای دادگاه و زیرساخت‌های فنی» مواجه است. با وجود این، می‌توان از طریق تدوین سیاست‌های منسجم و رعایت الزامات آیینی و فنی، آثار منفی این چالش‌ها را تا حد زیادی کنترل کرد. در نهایت، پژوهش نتیجه می‌گیرد که اخذ شهادت در بستر فناوری‌های نوین، در صورتی که شرایطی مانند «تعذر حضور فیزیکی شاهد در جلسه دادگاه» و «انتساب‌پذیری شهادت به شخص شاهد» احراز شود، از مشروعیت و اعتبار حقوقی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان دلیل در فرایند رسیدگی کیفری مورد استناد قرار گیرد.

استناد: مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ مهرا، نسرين؛ راسته، مرتضی (۱۴۰۴). اعتبارسنجی استماع شهادت شهود در بستر فناوری‌های نوین؛

چالش‌ها و فرصت‌ها، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۵ (۱)، ۱۱۱-۱۴۱.

DOI:https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.387090.1963



© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.387090.1963

مقدمه

جرمی بنتام، فیلسوف برجسته حقوق، با گزاره مشهور «شهود، چشم و گوش عدالت‌اند»^۱، بر جایگاه محوری شاهد در دادرسی کیفری تأکید کرده است. شاهد، به‌عنوان یکی از کنشگران اصلی نظام عدالت کیفری، نقش تعیین‌کننده‌ای در کشف حقیقت و سرنوشت دعوی دارد. آیین دادرسی کیفری از دیرباز بر تعامل حضوری و مواجهه مستقیم میان عناصر فعال در فرایند رسیدگی استوار بوده و بر حضور فیزیکی شاهد تأکید داشته است. با این حال، تحولات فناورانه ابزارهایی فراهم کرده‌اند که ضمن افزایش سرعت، دقت و امنیت، موجب تسهیل رسیدگی، کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در زمان می‌شوند. اقتضات ناشی از بحران‌های جهانی مانند همه‌گیری ویروس کرونا نیز بهره‌گیری از فناوری‌های نوین را به ضرورتی انکارناپذیر در نظام‌های عدالت کیفری تبدیل کرده است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های کاربردی فناوری در دادرسی کیفری، استماع شهادت شهود از طریق ابزارهای ارتباطی نوین است؛ به‌طوری‌که شاهد بدون حضور فیزیکی، اظهارات خود را از طریق ابزارهای الکترونیکی همچون ویدئوکنفرانس، کنفرانس تلفنی، فایل‌های صوتی-تصویری پیش‌ضبط‌شده یا روش‌های مکتوب مانند ایمیل ارائه می‌کند (Biasiotti, 2018: 14).^۲

در همین خصوص قانونگذار ایران به‌منظور همسویی با تحولات فناورانه و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی نوین، امکان اخذ شهادت از راه دور را در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی (ق.ا.م.) پیش‌بینی کرده است. بر اساس این ماده، «چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به‌صورت مکتوب، صوتی-تصویری زنده و یا ضبط‌شده، با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر

1. "Witnesses are the Eyes and Ears of Justice" (Bentham, 1838: 53); Derived from: (Magner, 1995: 68)

۲. تجربه بحران کرونا نشان داد استفاده از فناوری‌های نوین در اخذ شهادت شهود، در بسیاری موارد، به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تداوم روند دادرسی کیفری در شرایط اضطراری مطرح است. در واکنش به این بحران، کشورهای مختلف به‌طور گسترده از ابزارهایی مانند ویدئوکنفرانس برای برگزاری جلسات دادرسی و استماع شهادت شهود بهره گرفتند. بر اساس یک نظرسنجی بین‌المللی در سال ۲۰۲۰ با مشارکت ۱۱۵ نهاد قضایی از ۳۸ کشور، بیش از ۷۷ درصد نهادها از این روش استفاده کرده‌اند (Zanoni et al., 2020: 2). در دوران پساکرونا نیز تمایل به ادامه بهره‌گیری از این فناوری‌ها حفظ شد؛ چنانکه در اروپا و آمریکا، حدود ۶۰ درصد از قضات، دادستان‌ها و وکلای شرکت‌کننده در نظرسنجی‌ها، از استمرار استفاده از ویدئوکنفرانس برای استماع شهادت استقبال کردند (Turner, 2021: 259; Sanders, 2021: 3). در نظام کیفری ایران نیز گسترش دادرسی الکترونیکی در سال‌های اخیر بیانگر افزایش بهره‌گیری از این ابزار فناورانه در فرایند استماع شهادت شهود است. از زمان برگزاری نخستین جلسه دادرسی از طریق ویدئوکنفرانس در سال ۱۳۹۵ (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۵) تا پیش از شیوع کرونا، تنها تعداد معدودی از محاکم از این شیوه بهره می‌بردند، اما در سال ۱۴۰۰، بیش از ۲۲۵ هزار جلسه دادرسی الکترونیکی برگزار شد (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱). با کاهش بحران کرونا و بازگشت نسبی دادگاه‌ها به شرایط عادی، استقبال قضات ادامه یافت و این رقم در بازه زمانی یکساله با رشدی معادل ۱۵۰ درصد، به بیش از ۵۱۷ هزار جلسه افزایش یافت (خبرگزاری صداوسیما، ۱۴۰۲).

است.^۱ همچنین تبصره ۲ ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (ق.آ.د.ک) امکان تحقیق و اخذ اظهارات شهود به صورت الکترونیکی در مرحله تحقیقات مقدماتی را فراهم می‌کند. این امر نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های نوین به دادگاه محدود نبوده و قلمرو آن به تمامی مراحل دادرسی تعمیم یافته است. بخش نهم ق.آ.د.ک با عنوان «دادرسی الکترونیکی» نیز بر نهادهای سازی استفاده از فناوری در رسیدگی کیفری تأکید دارد و ماده ۶۵۹ آن، به کارگیری سامانه‌های ویدئوکنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباط الکترونیکی برای اخذ شهادت را مشروط به احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق، مجاز دانسته است. بر اساس این مقررات، پذیرش شهادت الکترونیکی به تحقق شرایطی مانند تعذر حضور فیزیکی شاهد، احراز صلاحیت قانونی شاهد و قابلیت استناد به شهادت وی، احراز صحت انتساب اظهارات به شخص شاهد و رعایت الزامات فنی و شکلی مرتبط با اخذ شهادت در بستر فناوری‌های نوین بستگی دارد. تشخیص تحقق این شرایط بر عهده مقام قضایی رسیدگی‌کننده -اعم از دادگاه یا دادسرا- است.

این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که شهادت شهود در بستر فناوری‌های نوین، در چه شرایط و سازوکاری می‌تواند از اعتبار قانونی برخوردار باشد و به‌عنوان دلیل در فرایند دادرسی پذیرفته شود؟ همچنین بررسی دقیق این مسئله که استفاده از شهادت فناورانه چه فرصت‌هایی را برای تحقق اهداف و سیاست‌های نظام عدالت کیفری فراهم می‌آورد و چه چالش‌ها و مخاطراتی را پیش‌روی آن قرار می‌دهد، از اهداف اصلی این مقاله است.

در خصوص مرور ادبیات تحقیق، شایان ذکر است که دادرسی الکترونیکی به‌عنوان سازوکاری نوین در نظام عدالت کیفری ایران مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ با این حال، بخش عمده این تحقیقات به مباحث کلی و اصول عام ادله الکترونیکی اختصاص یافته است (برای نمونه، رک: مؤذّن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹-۹۷؛ دهقانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۳۶۲-۳۳۸۹؛ هادی‌تبار و یعقوبی گلوردی، ۱۴۰۲: ۱۱۳-۱۲۳) و تنها تعداد معدودی از پژوهش‌ها به صورت تفصیلی به موضوع شهادت فناورانه پرداخته و آن را در قالب نهاد «شهادت از راه دور» و با تکیه بر ابعاد نظری، فقهی و تحلیل‌های مبتنی بر رویه قضایی، بررسی کرده‌اند (برای نمونه، رک: مؤذّن‌زادگان و مولایی، ۱۴۰۰: ۲۲۲-۲۴۹؛ خدای و خالدی، ۱۳۹۵: ۳۳-۵۶). بر این اساس، پژوهش حاضر از حیث نوآوری، به‌طور مشخص بر اعتبارسنجی شهادت شهود در بستر فناوری‌های نوین تمرکز دارد؛ موضوعی که با رویکردی

۱. ظاهر ماده ۱۸۶ ق.م.ا نشان می‌دهد که مفهوم «شهادت از راه دور»، عام‌تر از «شهادت الکترونیکی» است؛ زیرا علاوه بر شهادت الکترونیکی، شامل شهادت کتبی غیرالکترونیکی نیز می‌شود. به‌عبارتی، رابطه میان شهادت از راه دور و شهادت الکترونیکی، رابطه عموم و خصوص مطلق است.

انتقادی و مسئله‌محور، ابعاد حقوقی و اجرایی آن را در فرایند رسیدگی‌های کیفری بررسی می‌کند و به تحلیل چالش‌ها، فرصت‌ها و الزامات قانونی پذیرش این نوع شهادت به‌عنوان دلیل اصلی در دادرسی می‌پردازد. از دیگر نوآوری‌های پژوهش، تحلیل تطبیقی رویه‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر است که می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب برای سیاستگذاری‌های تقنینی و قضایی کشور مورد توجه قرار گیرد. همچنین ارائه راهبردهای اجرایی برای رفع موانع و بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های فناوری در فرایند کیفری، وجه تمایز دیگری است که با توجه به ماهیت عملی و قابلیت اجرای بالای این راهبردها، پژوهش حاضر را از حیث انطباق با نیازها و واقعیت‌های نظام عدالت کیفری برجسته می‌سازد.

با این مقدمه، ساختار مقاله به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: نخست، چالش‌های پیش‌روی کاربرست فناوری‌های نوین در فرایند استماع شهادت شهود بررسی می‌شود که در قالب سه مبحث مجزا تحلیل شده است؛ سپس دستاوردها و فرصت‌های ناشی از به‌کارگیری فناوری‌های نوین در اخذ شهادت شهود مطرح می‌شود که آن نیز در سه مبحث مستقل ارائه شده است؛ در نهایت، شرایط قانونی و ترتیبات خاصی که برای اعتباربخشی به شهادت فناورانه به‌عنوان دلیل اصلی در پرونده کیفری ضروری‌اند، بررسی می‌شوند؛ این بخش در قالب دو مبحث تنظیم شده است.

۱. چالش‌های کاربرست فناوری‌های نوین در فرایند استماع شهادت شهود

استماع شهادت شهود در بستر فناوری‌های نوین ممکن است با چالش‌هایی همراه باشد که بی‌توجهی به آنها می‌تواند تحقق دادرسی منصفانه را با تردید مواجه سازد. این چالش‌ها اغلب در سه محور قابل طبقه‌بندی است: «تضعیف نقش شهادت حضوری»، «احتمال تضییع حق متهم در بهره‌مندی از دادرسی شفاهی و ترافعی» و «محدودیت‌های ناشی از فضای دادگاه و زیرساخت‌های فنی». در این بخش، ضمن تبیین هر یک از این چالش‌ها، راهکارهای پیشنهادی برای کاهش یا رفع آثار آنها ارائه می‌شود.

۱.۱. تضعیف نقش شهادت حضوری

یکی از دغدغه‌های اصلی در استماع شهادت شهود از طریق فناوری‌های نوین آن است که این شیوه به تدریج به قاعده تبدیل شود و حضور فیزیکی شهود به امری استثنایی تنزل یابد. سهولت اجرا و هزینه‌های کمتر این روش می‌تواند گرایش مراجع قضایی به بهره‌گیری از آن را افزایش دهد و این نگرانی را تقویت کند. این مسئله در چارچوب دادرسی الکترونیکی برجسته‌تر است، زیرا فناوری‌های دیجیتال، امکان ثبت و انتشار آمار جلسات الکترونیکی را برای نهادهای قضایی

تسهیل کرده و رشد چشمگیر تعداد این جلسات، به‌عنوان شاخصی از موفقیت در مسیر تحول دادرسی تلقی می‌شود.^۱

با وجود گسترش ابزارهای فناورانه، پرسش اصلی آن است که چرا حضور فیزیکی شهود همچنان روش ترجیحی است؟ واقعیت آن است که اگرچه بهره‌گیری از فناوری‌های نوین امکان مشارکت شمار بیشتری از شهود، به‌ویژه افرادی را که از لحاظ جغرافیایی دور از محل رسیدگی هستند، فراهم می‌آورد، لیکن استفاده صرف از فناوری، احتمال شهادت نادرست را افزایش می‌دهد (غلاملو، ۱۴۰۲: ۱۸۱). بنابراین، استماع شهادت نباید صرفاً به رؤیت و استماع از طریق ابزارهای فناورانه محدود شود، زیرا تفاوت اساسی میان شهادت حضوری و الکترونیکی، در امکان نظارت مستقیم قاضی بر شاهد نهفته است. در شیوه الکترونیکی، عدم برقراری ارتباط چشمی واقعی، ارزیابی دقیق حالات چهره، حرکات بدن و نشانه‌های رفتاری را محدود کرده و حتی ممکن است نشانه‌های غیرواقعی منتقل شود؛ پدیده‌ای که با عنوان «خطای نگاه»^۳ شناخته می‌شود (Nguyen & Canny, 2009: 424). برخی پژوهشگران در این حوزه، بر قابلیت واکنش قاضی، متهم یا وکیل به نشانه‌های کلامی از جمله لکنت زبان و لرزش صدا و همچنین نشانه‌های غیرکلامی مانند زبان بدن، حالات چهره و ارتباط چشمی شاهد تأکید کرده‌اند؛ این علائم در حضور فیزیکی قابل مشاهده و ارزیابی است و توسط سایر افراد حاضر در دادگاه، به‌ویژه رسانه‌ها، نیز درک می‌شود (Simonson, 2014: 2182).

دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر نیز تأکید کرده است که ارزیابی کنش‌های رفتاری و حالات چهره شهود در حین ادای شهادت، ابزار مؤثری برای راستی‌آزمایی است. در یکی از پرونده‌ها، تغییرات محسوس در حالات چهره، رفتار، طرز برخورد و نحوه ادای شهادت یکی از شهود در جلسه علنی موجب شد شهادت وی فاقد قابلیت استناد تشخیص داده شود (Aloeboetoe v. Suriname, 1993: 58). تعدادی از پژوهشگران نیز با تأکید بر همین نکته، بر این باورند که حضور فیزیکی شهود در جلسه دادرسی، فشار عینی و محسوس بر آنان وارد می‌سازد که احتمال ارائه شهادت نادرست را کاهش می‌دهد و کیفیت و اتقان اظهارات را ارتقا می‌بخشد (ایزدی‌فرد و

۱. دادستان تهران در گزارشی اعلام کرد: «موضوع اعزام زندانیان به دادگاه، علاوه بر ایجاد اطلاع دادرسی، مشکلات امنیتی نیز به‌همراه داشت. با پیگیری‌های انجام‌شده، در حال حاضر ۹۲ درصد دادرسی‌ها در زندان‌ها به‌صورت الکترونیکی برگزار می‌شود که این آمار بسیار قابل توجه است» (واحد خبر مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه، ۱۴۰۳ الف). همچنین معاون قضایی قوه قضاییه با اشاره به هوشمندسازی خدمات قضایی و برگزاری دادگاه‌های برخط، اظهار کرد: «امیدواریم به نقطه‌ای برسیم که نیاز به ارسال اوراق و حضور فیزیکی افراد کاهش یابد؛ قطعاً در چنین شرایطی سرعت انجام امور افزایش و قضات نیز با حجم انبوه مراجعان روبرو نمی‌شوند» (واحد خبر مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه، ۱۴۰۳ ب).

۲. این مسئله، به‌ویژه در کشورهایی که از سرعت بالای اینترنت برخوردار نیستند، به‌دلیل کاهش کیفیت تصاویر دریافتی از شاهد، با چالش‌های فزاینده‌ای همراه است (Bellone, 2013: 32).

همکاران، ۱۴۰۱: ۴۶۹؛ خالقی، ۱۳۸۳: ۳۹؛ Jaconelli, 2002, 36-37). تحقیق میدانی نیز نشان می‌دهد شهود در دادگاه با احتیاط بیشتری شهادت می‌دهند و حتی گاهی تنها همان مطالبی را بیان می‌کنند که پیشتر در پلیس یا دادسرا گفته‌اند (غلاملو، ۱۴۰۲: ۱۸۱). در واقع، چنین رویدادی - به‌ویژه در جلسات دادرسی علنی که تحت پوشش رسانه‌های خبری قرار می‌گیرند - نقش مهمی در تضمین اصالت اظهارات شاهد و ارائه دقیق حقایق ایفا می‌کند و هرگونه انحراف یا نقض بی‌طرفی وی را در معرض دید عموم قرار می‌دهد. بر این اساس، شهود با آگاهی از این فرایند و به‌منظور حفظ اعتبار و شأن خود، از بیان مطالب خلاف واقع یا جانبدارانه خودداری می‌ورزند. تحقیقات میدانی در سطح بین‌المللی نیز مؤید این موضوع است.^۱

با پذیرش این امر که هدف اصلی از استماع حضوری شهادت شهود، امکان نظارت دقیق و مستقیم بر صحت و صداقت اظهارات آنان است و با توجه به اینکه استماع شهادت در بستر فناوری‌های نوین - به‌رغم اینکه ابزارهایی نظیر ویدئوکنفرانس مصداق مواجهه حضوری شناخته شده‌اند^۲ - فاقد ظرفیت کافی برای انتقال دقیق مؤلفه‌های کلامی و غیر کلامی شهود به حاضران در دادگاه است، باید گفت که حضور فیزیکی شهود در جلسات دادرسی، از حیث تضمین کیفیت راستی‌آزمایی شهادت، بر استماع الکترونیکی اولویت دارد. از این‌رو، سهولت استفاده از فناوری نباید جایگاه حضور فیزیکی شهود را تضعیف کند، بلکه با اتخاذ رویکردی بینابینی و ایجاد موازنه میان سنت قضایی و تحولات فناورانه، ضمن حفظ اصل حضور فیزیکی شهود، از مزایای فناوری‌های نوین در موارد مقتضی بهره‌برداری شود. بدین ترتیب، مقام قضایی باید با لحاظ ویژگی‌ها و مقتضیات هر پرونده، شرایط مکانی برگزاری جلسه، شرایط سنی و جسمانی شاهد و همچنین شرایط طرفین دعوی و سایر کنشگران فرایند دادرسی کیفری، تصمیم مقتضی در خصوص نحوه استماع شهادت شهود اتخاذ نماید تا هم کیفیت رسیدگی و صحت اظهارات شهود تضمین شود و هم از ظرفیت‌های فناوری بهره‌برداری مناسب صورت گیرد.

۲.۱. احتمال تضییع حق متهم در بهره‌مندی از دادرسی شفاهی و ترافعی

بر پایه اصول بنیادین حقوق کیفری، رعایت حقوق دفاعی متهم از ارکان دادرسی منصفانه به‌شمار می‌رود. در این میان، ماهیت شفاهی و ترافعی دادرسی که با حضور شهود محقق می‌شود، جایگاهی محوری دارد، زیرا حق متهم در مواجهه مستقیم با شهود، طرح پرسش و به چالش

۱. تحقیقی که در سال ۲۰۱۹ با مصاحبه از ۳۰۰ قاضی و اعضای هیأت منصفه در سطح بین‌المللی انجام شد، به بررسی تأثیر استماع شهادت شهود به دو صورت حضوری و الکترونیکی پرداخت. نتایج نشان داد ۲۲۰ نفر به‌دلیل دشواری در راستی‌آزمایی، استماع حضوری را ترجیح دادند؛ ۶۰ نفر تفاوتی میان دو نوع شهادت قائل نبودند و تنها ۲۰ نفر شهادت از طریق فناوری‌های نوین را در برخی جهات برتر دانستند (Rowden & Wallace, 2019: 700-709).

۲. تبصره ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴.

کشیدن اعتبار اظهارات آنان را تضمین می‌کند. این موضوع به‌صراحت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ در همین زمینه، دیوان اروپایی حقوق بشر با استناد به شق «د» از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق متهم برای پرسش از شهود را یکی از مؤلفه‌های بنیادین دادرسی منصفانه دانسته و تأکید کرده است که تمامی ادله، از جمله شهادت شهود، باید در جلسه علنی و با رعایت اصول توافقی بررسی شود (Jussila v. Finland, 2006: 40). این تفسیر، توسط کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز تأیید شده است (General Comment (No.32, 2007: 39).

در نظام کیفری ایران نیز حق پرسش از شهود طرف مقابل مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است. ماده ۳۲۶ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «هنگامی که دادگاه، شهادت شاهد یک طرف دعوا را استماع نمود، به طرف دیگر اعلام می‌کند، چنانچه پرسش‌هایی از شاهد دارد، می‌تواند مطرح کند». همچنین از مفاد ماده ۳۵۹ همان قانون، که ناظر بر رسیدگی توافقی دادگاه است، استنباط می‌شود که ادله مرحله تحقیقات مقدماتی باید در جلسه علنی و با حضور طرفین، در قالب فرایندی شفاهی و توافقی بررسی شوند تا متهم بتواند به ادله ارائه‌شده اعتراض کند، از شهود سؤال کرده و در برابر مستندات مطروحه از خود دفاع کند. با این حال، این پرسش مطرح است که آیا شهادت مبتنی بر فناوری‌های نوین، همواره با حق متهم در برخورداری از دادرسی شفاهی و توافقی تعارض دارد؟ دیوان عالی ایالات متحده آمریکا با نفی اطلاق حق مواجهه حضوری، اعلام کرده است که بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، در صورت رعایت شرایط مشخص، ناقض این حق نیست. این مرجع، پنج معیار برای ایجاد توازن میان استماع شهادت الکترونیکی و حق مواجهه حضوری برشمرده است (Maryland v. Craig, 1990: 848-852):

- اثبات وجود عنصر ضرورت در پرونده از سوی مقام قضایی؛
- بررسی موردی شرایط هر دعوا به‌منظور جلوگیری از تسری بی‌ضابطه آن به سایر موارد مشابه؛
- مؤثر بودن عدم مواجهه حضوری در پیشبرد اهداف سیاست جنایی یا حفظ امنیت ملی؛
- لزوم حمایت از شهود یا اعضای خانواده آنان در برابر تهدیدهای جانی، مالی یا حیثیتی؛
- امکان طرح پرسش از شهود و به چالش کشیدن اظهارات آنان از سوی متهم.

۱. شق «ه» از بند ۳ ماده ۱۴ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»؛ شق «د» از بند ۳ ماده ۶ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»؛ شق «ک» از بند ۲ ماده ۸ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»؛ شق «ه» از بند ۱ ماده ۶۷ «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»؛ شق ۳ از بند «ه» ماده ۲ «قطعنامه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم در مورد حق محاکمه منصفانه و معاضدت حقوقی در آفریقا».

با وجود اهمیت انکارناپذیر همه شرایط مذکور، امکان طرح پرسش از شهود، جایگاه برجسته‌ای دارد. در این چارچوب، باید سازوکاری فراهم شود تا متهم بتواند حتی بدون مواجهه حضوری، پرسش‌ها و ایرادات خود را بیان کند. بنابراین، اظهارات شهود باید به اطلاع متهم یا وکیل وی برسد تا بتواند پرسش‌های خود را به صورت مکتوب مطرح کند و مقام قضایی نیز موظف است پاسخ‌ها را از شاهد اخذ و در پرونده درج کند (طهماسی، ۱۳۹۸: ۶۷). این سازوکار به طور معمول در مواردی اعمال می‌شود که شهادت از طریق فایل صوتی، تصویری یا پست الکترونیکی ارائه شده باشد.

رویکرد مزبور در سیاست کیفری ایران نیز در مواد ۵ و ۱۶ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، بازتاب یافته است. با توجه به تبصره ماده ۳ آیین‌نامه مذکور که مواجهه از طریق وسایل ارتباط از راه دور را مصداق مواجهه حضوری تلقی کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که ظاهر عبارت «...می‌توانند هر سؤالی را که لازم بدانند، با اجازه مرجع رسیدگی‌کننده از شاهد یا مطلع پرسند» در ماده ۱۶، ناظر بر مواردی مانند ویدئوکنفرانس است؛ جایی که متهم یا وکیل وی می‌توانند به صورت زنده و با کسب اجازه از مرجع قضایی، شاهد را مورد پرسش قرار دهند. اما شهادت‌های الکترونیکی غیرزنده، مانند ایمیل یا فایل‌های صوتی-تصویری ضبط‌شده، فاقد ویژگی‌های مواجهه حضوری‌اند و مشمول حکم ماده ۱۶ نیستند. با این حال، اصل دادرسی منصفانه و تساوی سلاح‌ها اقتضا می‌کند که در سایر مصداق شهادت الکترونیکی نیز حق پرسش از شهود حفظ شود. از این منظر، ماده ۵ آیین‌نامه مذکور، امکان طرح سؤالات از سوی طرفین دعوا یا نمایندگان قانونی ایشان را حتی در شرایط عدم مواجهه حضوری تضمین کرده و مقام قضایی را مکلف به اخذ پاسخ از شاهد و درج آن در پرونده دانسته است؛ اقدامی که به نوبه خود می‌تواند تضمینی حداقلی برای حفظ تعادل میان استفاده از ابزارهای نوین در دادرسی و صیانت از حقوق دفاعی متهم محسوب شود.

۳.۱. محدودیت‌های ناشی از فضای دادگاه و زیرساخت‌های فنی

عدم بسترسازی مناسب در فضای دادگاه‌ها و کمبود امکانات فناورانه، از چالش‌های اساسی استماع شهادت در بستر فناوری‌های نوین است که می‌تواند مسئله‌ساز باشد. بسیاری از محاکم کیفری هنوز از زیرساخت‌های فنی و محیطی متناسب با تقارن دادرسی ترافعی و شهادت الکترونیکی برخوردار نشده‌اند و آنچه در اغلب این دادگاه‌ها مشاهده می‌شود، صرفاً نصب نمایشگر در برابر قاضی است که امکان رؤیت شاهد را تنها در چارچوبی محدود برای وی فراهم می‌سازد. فضای دادگاه نیز به گونه‌ای طراحی نشده است که طرفین دعوا، وکلا، شهروندان یا رسانه‌ها، در صورت حضور در جلسات علنی، بتوانند اظهارات شاهد را به طور کامل و مؤثر مشاهده

و استماع کنند. این وضعیت، با اصول بنیادین دادرسی منصفانه در تعارض است و می‌تواند مشروعیت و شفافیت فرایند دادرسی را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد.^۱

تحقق دادرسی منصفانه در بستر شهادت الکترونیکی، مستلزم ایجاد زیرساخت‌های فنی، محیطی و ساختاری هماهنگ در دو نقطه کلیدی است: محل استقرار شاهد و محل تشکیل جلسه دادگاه. نخست، محل استقرار شاهد باید از نظر امکانات فنی، امنیت ارتباطی و شرایط محیطی به‌گونه‌ای تجهیز و متناسب‌سازی شود که امکان ارائه شهادت به‌گونه‌ای مؤثر و بدون خدشه به حقوق طرفین دعوا، فراهم شود؛ دوم، محل تشکیل جلسه دادگاه نیز باید از لحاظ تجهیزات ارتباطی و چیدمان محیط، شرایط لازم برای استماع و رؤیت بی‌واسطه و مؤثر اظهارات شاهد را دارا باشد.^۲ در این چارچوب، نصب نمایشگرها در نقاط مختلف سالن، به‌گونه‌ای که قاضی، متهم، وکلا، اصحاب رسانه و ناظران عمومی تصویر شاهد را همزمان مشاهده کنند، ضروری است. همچنین با توجه به احتمال کاهش کیفیت صوت در ارتباطات ویدئویی، نصب سامانه‌های صوتی مناسب در بخش‌های مختلف دادگاه برای ارتقای وضوح گفتار، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ به‌ویژه در جلسات علنی که ازدحام حاضران ممکن است مانع استماع کامل اظهارات شاهد گردد. طراحی فضای دادگاه باید به‌گونه‌ای باشد که تمامی حاضران دارای جایگاه مناسب و میدان دید کافی نسبت به نمایشگرها باشند. در مواردی که استماع هم‌زمان یا متوالی چند شاهد ضرورت یابد، استفاده از نمایشگرهای متعدد برای نمایش مجزای تصویر هر شاهد توصیه می‌شود. در صورت استفاده از نمایشگر با تصویر واحد، باید اطمینان حاصل شود که ترکیب یا تجمیع تصاویر شاهدان، به‌وضوح بصری، جامعیت محتوایی و تمرکز حاضران لطمه‌ای وارد نکند. بر این اساس، تجهیز فنی دادگاه و تطبیق ساختار و فضای فیزیکی آن با الزامات دادرسی الکترونیکی، شرط لازم برای استماع مؤثر شهادت در این بستر به‌شمار می‌آید. در نقطه مقابل این ارتباط الکترونیکی، یعنی محل استقرار شاهد، نیز باید تدابیر لازم جهت تأمین کیفیت مطلوب صوت و تصویر پیش‌بینی شود. این تمهیدات باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که

۱. برخلاف دیدگاه برخی نویسندگان که قوه قضاییه را از حیث امکانات الکترونیکی مجهز دانسته و بدین ترتیب از لحاظ بستر ممانعی برای اجرای شهادت از راه دور قائل نیستند (خدادی و خالدی، ۱۳۹۵: ۵۰)، نتایج مصاحبه با قضات دادگاه کیفری یک استان تهران، این ادعا را تأیید نمی‌کند (مؤذن‌زادگان و مولایی، ۱۴۰۰: ۲۳۹). زیرا صرف تهیه وسایل الکترونیکی برای استماع شهادت از راه دور کفایت نمی‌کند، بلکه برای تضمین دادرسی منصفانه و امکان ارزیابی مؤثر صحت اظهارات شاهد، توجه به ابعاد، محل نصب نمایشگرها و زاویه دید آن برای کلیه حاضران در جلسه دادگاه ضروری است. پژوهش‌های انجام‌شده در سایر کشورها نیز نشان می‌دهد این مسئله همچنان به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم در بهره‌گیری از شهادت الکترونیکی مطرح است (Havener, 2014: 3).

۲. بدیهی است در مواردی که متهم در زندان نگهداری می‌شود و از طریق فناوری ارتباطی از راه دور در جلسه دادرسی به‌صورت مجازی شرکت می‌کند، ضروری است ساختار، شرایط محیطی و تجهیزات مورد نیاز در محل زندان نیز به‌طور مناسب فراهم و متناسب‌سازی شود.

فرایند ارائه شهادت دچار اختلال یا کاستی در انتقال محتوا به دادگاه نشود و امکان تعامل مؤثر میان شاهد و مقام قضایی حفظ شود. در غیر این صورت، هرگونه نقصان در کیفیت ارتباط، ممکن است اعتبار اظهارات شاهد را مخدوش سازد و در صحت فرایند رسیدگی اثر منفی بر جای گذارد.

اگرچه بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در قالب شهادت الکترونیکی می‌تواند بخشی از محدودیت‌ها و موانع موجود در استماع سنتی شهادت را مرتفع سازد، لیکن نباید از نظر دور داشت که همین فناوری‌ها، خود می‌توانند منشأ بروز محدودیت‌ها و چالش‌های جدیدی در فرایند دادرسی باشند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مشکلات فنی در ورود شهود به بستر مجازی، اختلال یا قطع ارتباط صوتی و تصویری، فقدان مهارت کاربری شهود یا کارکنان دادگستری در بهره‌گیری از سامانه‌های الکترونیکی و سایر مسائل مشابه اشاره کرد. مواجهه مؤثر با این‌گونه چالش‌ها، مستلزم طراحی و استقرار زیرساخت‌های فنی به‌روز و کارآمد، بهره‌گیری از سامانه‌هایی ایمن، پایدار و کاربرمحور و نیز تضمین اتصال مستمر و بدون اختلال میان کنشگران برخط دادرسی و مرجع قضایی است. افزون بر این، استفاده از نیروهای متخصص در حوزه فناوری اطلاعات به‌منظور تأمین امنیت سایبری، صیانت از صحت و تمامیت محتوای شهادت و همچنین پیش‌بینی سازوکارهای کنترلی برای جلوگیری از تحریف یا دستکاری احتمالی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. از سوی دیگر، آموزش مستمر قضات، کارکنان دادگستری و سایر بهره‌برداران سامانه‌های الکترونیکی نیز از پیش‌نیازهای بنیادین تحقق عملکرد صحیح این بستر فناورانه به‌شمار می‌رود. با تحقق این تمهیدات، ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های انکارناپذیر فناوری‌های نوین در ارتقای شفافیت قضایی و تسهیل دسترسی همگانی به عدالت، می‌توان بستری ایمن و پایدار برای استماع مؤثر و معتبر شهادت الکترونیکی فراهم ساخت و آثار محدودکننده ناشی از کاستی‌های فنی یا اجرایی را به حداقل رساند.

۲. دستاوردهای کاربری فناوری‌های نوین در فرایند استماع شهادت شهود

شناسایی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل در استماع فناورانه شهادت و تحلیل جامع آثار آن، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سیاستگذاری‌های کیفی و تقویت سازوکارهای تحقق عدالت باشد. در این چارچوب، مهم‌ترین فرصت‌ها و دستاوردهای کاربری فناوری‌های نوین در استماع شهادت شهود را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد: نخست، «حمایت مؤثر از شهود در برخی جرایم خاص»؛ دوم، «تسریع در روند رسیدگی» و سوم، «کاهش هزینه‌ها و ماندگاری اطلاعات». در ادامه، هر یک از این محورها به‌صورت تفصیلی بررسی خواهد شد.

۱.۲. حمایت مؤثر از شهود در برخی جرایم خاص

حضور فیزیکی شهود در جلسات دادرسی، به‌ویژه در پرونده‌های جرایم سازمان‌یافته، تروریستی و ارتكابی توسط بزهدکاران حرفه‌ای، مخاطرات جدی امنیتی برای شهود و خانواده آنان ایجاد می‌کند. افشای هویت شاهد نزد مرتکبان یا وابستگان آنان ممکن است زمینه تهدید، ارعاب یا اقدامات تلافی‌جویانه را فراهم سازد. با توجه به حساسیت این‌گونه پرونده‌ها و انعکاس گسترده آن در رسانه‌ها، حضور فیزیکی شاهد ممکن است با خطرهای انکارناپذیر همراه باشد (New South Wales Department of Justice, 2012: 10). از این‌رو، ایجاد سازوکارهای حمایتی، تدابیر امنیتی و بسترهای فناورانه ایمن برای مشارکت مؤثر شهود، از محورهای مورد تأکید اسناد بین‌المللی است. یکی از مهم‌ترین این تدابیر، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، از جمله سامانه‌های ویدئوکنفرانس و تجهیزات تغییر چهره و صدا برای حفظ محرمانگی هویت شاهد است. در این شیوه، شاهد بدون حضور فیزیکی و در محیطی امن، به ادای شهادت می‌پردازد. در برخی موارد، شهادت ویدئوکنفرانسی در داخل ساختمان دادگستری و در اتاقی مجزا انجام شود. این اتاق با تجهیزات ارتباطی پیشرفته، به‌صورت برخط با جلسه رسیدگی مرتبط می‌شود، اما شاهد ناگزیر به حضور در فضای عمومی دادگاه نیست. در چنین وضعیتی باید تدابیر حفاظتی ویژه‌ای برای محدودسازی دسترسی به اتاق مذکور اتخاذ شود و تنها کارکنان مسئول اجازه ورود داشته باشند (Department of Justice, 2012: 11-12). همچنین در برخی موارد استثنایی، صرفاً مقام قضایی می‌تواند تصویر شاهد را مشاهده کند و سایر حاضران تنها صدای شاهد را می‌شنوند. بر همین اساس، در دوران امر بین «استماع حضوری شهادت» و «حفاظت از شهود در برابر تهدیدهای احتمالی»، می‌توان اولویت را به حفاظت از شهود داد؛ مشروط بر آنکه وجود خطر واقعی، جدی و مستند احراز شود.

صرف ادعا یا گمانه‌زنی وجود تهدید نمی‌تواند مبنای قانونی و منطقی برای عدم حضور فیزیکی شاهد محسوب شود، بلکه تهدید باید به‌گونه‌ای باشد که خطر ملموس و قریب‌الوقوع برای وی ایجاد کند. در این زمینه، مطالعه رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر حاکی از آن است که این مرجع، چهار معیار برای توجیه اقدامات حمایتی و ایجاد توازن میان الزامات دادرسی منصفانه و ضرورت حمایت از شهود ارائه کرده است:

- استفاده از شهود گمنام باید مستند به دلایل متقن بوده و ضرورت آن توسط مقام قضایی توجیه شود؛ شدت جرم به‌تنهایی کافی نیست بلکه با مدنظر قرار دادن «معیار شخصی» و ارزیابی موردی، باید خطر قطعی برای شاهد یا خانواده وی احراز شود (Van Mechelen et al. v. The Netherlands, 1997: 58-61)

- نقصان حقوق دفاعی متهم باید از طریق سازوکارهای مؤثر جبران شود و متهم فرصت پرسش و ارزیابی اظهارات شهود را داشته و مقام قضایی نیز قادر به ارزیابی اعتبار آنان باشد (Kostovski v. The Netherlands, 1989: 42)؛
 - دادگاه باید پیش از پذیرش شهادت شهود گمنام، بررسی کند که آیا امکان اتخاذ تدابیر جایگزین و مناسب وجود دارد تا ضمن تحقق هدف حمایتی، کمترین خدشه به حقوق طرفین دادرسی وارد آید (Al-Khawaja & Tahery v. The United Kingdom, 2009: 46)؛
 - محکومیت کیفری متهم نباید صرفاً بر مبنای اظهارات شهود گمنام باشد و باید در چارچوب ارزیابی کلی شواهد و رعایت اصل دادرسی منصفانه صورت گیرد (Mirilashvili v. Russia, 2008: 164).
- در نظام کیفری ایران، مطابق ماده ۲۱۴ ق.آ.د.ک و ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، در صورت وجود خطر جانی، حیثیتی یا مالی برای شاهد یا خانواده وی و ضرورت استماع اظهاراتشان، بازپرس می‌تواند با ذکر دلایل در پرونده، مواجهه حضوری شاهد با شاکی یا متهم را محدود کند. همچنین وی مجاز است از افشای هویت و مشخصات شاهد خودداری کرده و اظهارات او را از طریق وسایل ارتباط از راه دور و در مکانی خارج از دادسرا استماع کند.^۲ تبصره‌های ماده یادشده، اجرای این مقررات را به مرحله دادرسی در دادگاه تسری می‌دهند و تأکید می‌کنند که تدابیر اتخاذشده نباید به حقوق دفاعی متهم آسیب رساند و لازم است توازن میان حمایت از شهود و رعایت حقوق طرفین دادرسی حفظ شود.^۳ در این زمینه، مطابق ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، عدم مواجهه حضوری مانع از اطلاع از اظهارات شاهد نیست و ماده ۱۴ همان آیین‌نامه تأکید دارد که مقام قضایی باید هویت شاهد، صحت انتساب و اعتبار اظهارات و ثبت مطمئن آنها را احراز کند. بر این اساس، استفاده از شهادت شهود گمنام در نظام کیفری ایران، با تحقق شرایط مشخص، پذیرفته شده است؛ از جمله:

1. Also See: (Second Report on the Situation of Human Rights in Colombia, 1993: 67-68)

۲. همچنین ر.ک: ماده ۱۵ «آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴»؛ ماده ۱۸ «دستورالعمل نحوه تحقیق و رسیدگی با استفاده از سامانه‌های ارتباط الکترونیک مصوب ۱۳۹۹»؛ ماده ۲۵ «دستورالعمل هوشمندسازی و الکترونیکی شدن فرایندها و پرونده‌های قضایی مصوب ۱۴۰۳».

۳. ممنوعیت افشای عمومی جریان تحقیقات (از جمله هویت شهود) تحت شمول ممنوعیت کلی ناشی از اصل محرمانه بودن تحقیقات (ماده ۹۱ ق.آ.د.ک) قرار دارد. اما ممنوعیت مقرر در بند «ب» ماده ۲۱۴، فراتر از آن است و عدم افشای هویت شهود برای متهم را نیز شامل می‌شود. تبصره ۱ نیز مؤید این ممنوعیت در برابر متهم است (خالقی، ۱۴۰۰: ۲۹۴).

- وجود خطر جانی^۱، حیثیتی یا ضرر مالی برای شاهد یا خانواده وی^۲؛
- اطلاع مقام قضایی از هویت شاهد؛
- توجیه مستدل پنهان‌سازی هویت شاهد توسط مقام قضایی و ثبت آن در پرونده؛
- ضرورت استماع اظهارات شاهد برای اثبات اتهام؛
- اطمینان از صحت انتساب و اعتبار اظهارات شاهد و ثبت مطمئن آنها؛
- عدم تناقض با حقوق دفاعی متهم و اطلاع او از اظهارات شاهد؛
- ناکارآمدی سایر سازوکارهای حفاظتی.

در پایان این بحث، شایسته است تأکید شود که نظام عدالت کیفری به‌منظور بهره‌گیری بهینه از اطلاعات شهود، تدابیر حفاظتی قابل‌تعمیم برای کلیه شهود در معرض تهدید پیش‌بینی و اعمال کرده است. بدین ترتیب، حتی شهود شهادت‌دهنده به نفع متهم نیز ممکن است تحت فشار یا تهدید قرار گیرند، بنابراین اتخاذ تدابیر حفاظتی در بستر فناوری‌های نوین، برای حفاظت از آنها ضروری است و باید به‌عنوان بخشی از سیاست جامع حمایت از شهود در نظر گرفته شود.

۲.۲. تسریع در روند رسیدگی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای استماع شهادت شهود در بستر فناوری‌های نوین، تسریع در رسیدگی و کاهش اطاله دادرسی است.^۳ اصل رسیدگی در مدت‌زمان معقول، از اصول بنیادین دادرسی منصفانه بوده و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است.^۴ رعایت این اصل علاوه بر حفظ کرامت انسانی متهم، موجب تقویت احساس عدالت، کاهش هزینه‌های

۱. از آنجا که طبق بند «ب» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی حفاظت از شهود و مطلعان، منظور از خطر جانی، هرگونه خطر وارد شدن صدمه به تمامیت جسمانی می‌باشد، از این‌روا خطر جانی صرفاً از طریق درگیری‌های فیزیکی به‌وجود نمی‌آید، بلکه بروز حوادثی از قبیل شیوع ویروس کرونا نیز می‌تواند سبب بروز خطر جانی شود (مؤذن‌زادگان و عابدی نیستانک، ۱۴۰۲: ۲۷۴). با این حال، پر واضح است که وجود چنین خطراتی صرفاً استفاده از شهادت الکترونیکی را توجیه می‌کند و نمی‌تواند سببی برای گمنام ماندن شاهد باشد.

۲. در نظام کیفری ایران، حمایت از اعضای خانواده شاهد شامل «اقرای نسبی و سببی تا درجه دوم از طبقه دوم» است (مستفاد از بند «ث» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان).

۳. البته در چارچوب دادرسی منصفانه، باید میان رسیدگی سریع و رسیدگی شتاب‌زده تفاوت قائل شد، چراکه اگر تسریع در رسیدگی از حد متعارف فراتر رود و به کاهش دقت در فرایند دادرسی بینجامد، نه‌تنها فاقد وجاهت حقوقی است، بلکه می‌تواند موجبات تضییع حقوق طرفین و انحراف از اصول عدالت کیفری را فراهم آورد (آقایابانی طاقانکی و کردعلیوند، ۱۴۰۳: ۱۷۷).

۴. شق «ج» از بند ۳ ماده ۱۴ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»؛ بند ۳ ماده ۵ و بند ۱ ماده ۶ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»؛ بند ۱ ماده ۸ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»؛ شق «ج» از بند ۱ ماده ۶۷ «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»؛ بند ۵ بخش اول ماده ۷ «منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم» و شق «ج» از بند ۲ ماده ۴۰ «پیمان‌نامه حقوق کودک».

دستگاه قضایی و افزایش اعتماد عمومی می‌شود و از گرفتار شدن طولانی‌مدت متهم بی‌گناه در فرایند رسیدگی جلوگیری می‌کند (حیدری، ۱۴۰۰: ۱۵۲).

در نظام عدالت کیفری ایران نیز مواد مختلف ق.آ.د.ک از جمله ماده ۳ و مواد ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۶، ۴۷، ۲۴۰، ۲۴۲ و ۳۷۴ با تعیین مهلت‌های مشخص یا به‌کارگیری عباراتی نظیر «در اسرع وقت»، بر ضرورت رسیدگی سریع و جلوگیری از تأخیرهای ناموجه تأکید دارند. با این حال، قانونگذار حداکثر مدت زمان رسیدگی را به‌طور جامع تعیین نکرده و بیشتر رویکردی کلی و انعطاف‌پذیر اتخاذ کرده است، زیرا تعیین زمان واحد برای انواع پرونده‌ها عملی و واقع‌بینانه نیست. در قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تمایل قانونگذار به تعیین مدت‌زمان معقول برای رسیدگی‌ها صریح‌تر دیده می‌شود. در فصل حقوق قضایی، بر کاهش زمان دادرسی، افزایش سرعت و کارایی و استفاده از سامانه‌های الکترونیکی تأکید شده و بر اساس بند ۳ شق «ک» ماده ۲۱۱ این قانون، مدت زمان رسیدگی در محاکم کیفری حداکثر سه ماه و در محاکم حقوقی حداکثر پنج ماه تعیین شده است.^۱ با وجود اهمیت این سیاستگذاری، تعیین زمان ثابت و یکسان برای تمامی پرونده‌ها به دلیل تفاوت شرایط آنها با چالش مواجه است. به همین دلیل در برنامه هفتم توسعه (مصوب خرداد ۱۴۰۳)، هیچ تصریحی در خصوص تعیین زمان مشخص برای رسیدگی وجود ندارد.

یکی از عوامل مهم در ایجاد تأخیر در روند دادرسی، عدم حضور به‌موقع شهود در دادگاه و مشکلات مربوط به استماع حضوری شهادت است. رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که این مرجع برای تشخیص نقض اصل رسیدگی در مدت زمان معقول، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها نحوه استماع شهادت شهود است. دیوان در دو پرونده مطرح‌شده علیه دولت‌های ایرلند و روسیه، مواردی همچون تعداد شهود، نحوه استماع شهادت و میزان تأثیرگذاری شهادت آنان در حکم دادگاه را به‌عنوان عوامل مؤثر در تعیین مدت زمان رسیدگی برشمرده است. در این چارچوب، عدم حضور شهود -خواه به دلایل غیرعمدی مانند بیماری یا بروز حوادث غیرمترقبه و خواه به دلایل عمدی و ارادی نظیر ترس، کم‌رویی یا اکراه از حضور در دادگاه- از چالش‌هایی اساسی در رعایت اصل رسیدگی در مدت معقول شناخته شده‌اند (McFarlane v. Ireland, 2010: 140-156). دیوان همچنین استماع شهادت شهود با استفاده از فناوری‌های نوین را راهکاری مؤثر برای رفع این موانع پذیرفته است

۱. در این خصوص می‌توان به بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۶۱۴۶۴/۱۰۰ رئیس قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ نیز اشاره کرد که در راستای ارتقای شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی، میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌ها را به شرح زیر تعیین کرده است: «دادرسی عمومی و انقلاب: ۴۶ روز»، «دادگاه‌های بخش: ۷۰ روز»، «دادگاه‌های کیفری دو: ۷۹ روز»، «دادگاه‌های حقوقی: ۱۰۴ روز»، «دادگاه‌های انقلاب: ۶۸ روز»، «دادگاه‌های کیفری یک: ۲۲۴ روز»، «دادگاه‌های تجدیدنظر: ۹۰ روز».

(Idalov v. Russia, 2012: 186-192). علاوه بر این، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه استماع شهادت الکترونیکی در محاکم دولت‌های عضو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نشان داده‌اند که بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌تواند روند رسیدگی را تسریع کند، کارایی قضات را افزایش دهد (Fielding et al., 2020: 97-100).

در نظام کیفری ایران، اگرچه قانون حضور شهود در دادگاه را الزامی دانسته است^۱، لیکن در عمل مشاهده می‌شود که شهود به دلایل مختلف در جلسه حاضر نمی‌شوند و این امر موجب تجدید جلسه و تأخیر در رسیدگی می‌شود. چنین تأخیرهایی علاوه بر افزایش مدت زمان دادرسی، به اعتماد عمومی نسبت به دستگاه عدالت کیفری آسیب می‌زند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در استماع شهادت شهود می‌تواند نقش مهمی در رفع این موانع ایفا کند و روند رسیدگی را تسریع بخشد (مؤن‌زادگان و اختری، ۱۳۹۷: ۵۶). از سوی دیگر، تبعیت از شیوه سنتی استماع شهادت ایجاب می‌کند در مواردی که شاهد در حوزه قضایی دادگاه محل رسیدگی اقامت ندارد، از طریق نیابت قضایی، حضور قاضی در محل یا مراجعه ضابطان، شهادت او اخذ شود. این شیوه، افزون بر تحمیل هزینه‌های مالی، مستلزم صرف زمان، به‌کارگیری نیروی انسانی و استفاده گسترده از امکانات دستگاه قضایی است؛ امری که در بسیاری از پرونده‌های کم‌اهمیت، از نظر تناسب و کارآمدی منطقی به‌نظر نمی‌رسد و ظرفیت قضایی را از رسیدگی به پرونده‌های مهم‌تر منحرف می‌سازد. در مقابل، پذیرش و تسهیل استماع شهادت شهود از طریق فناوری‌های نوین امکان می‌دهد تا هزینه و زمان صرف‌شده در رسیدگی به پرونده‌های کم‌اهمیت کاهش یابد و ظرفیت دادگاه‌ها بر پرونده‌های حساس‌تر متمرکز شود. این موضوع در شرایط کنونی که عنصر «زمان» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی و بی‌بدیل در نظام عدالت کیفری مطرح است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

۳.۲. کاهش هزینه‌ها و ماندگاری اطلاعات

با توجه به اینکه رفاه اقتصادی یکی از مؤلفه‌های بنیادین زندگی بشری به‌شمار می‌آید، نظام‌های دادرسی نیز در راستای تحقق این هدف، تلاش دارند تا ضمن ارائه خدمات قضایی مطلوب، هزینه‌های تحمیلی بر اصحاب دعوا را به حداقل رسانده و از این طریق، کارآمدی و اثربخشی فرایند رسیدگی را ارتقا بخشند. در چارچوب این رویکرد، کاهش هزینه‌های ناشی از سازوکارهای سنتی دادرسی به‌ویژه در زمینه استماع شهادت شهود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در شیوه سنتی استماع شهادت، در مواردی که محل اقامت شاهد با محل تشکیل جلسه دادرسی یکسان نباشد، الزام به حضور فیزیکی شاهد مستلزم تحمیل هزینه‌های شایان توجهی است؛ امری که

۱. تبصره ۱ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک.

نه تنها برای خود شاهد می‌تواند با دشواری‌های متعددی همراه باشد، بلکه از منظر تحلیل اقتصادی نیز فاقد توجه برای شخص استنادکننده به شهادت است، چراکه او ملزم به پرداخت هزینه‌های ایاب‌وذهاب و بعضاً اسکان شاهد خواهد بود. در عصر حاضر، با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی که در بسیاری موارد با هزینه‌ای ناچیز یا حتی به صورت رایگان امکان برقراری ارتباط صوتی و تصویری از راه دور را فراهم ساخته‌اند، بستر مناسبی برای تحول در فرایند دادرسی، به‌ویژه در حوزه استماع شهادت، فراهم شده است. بهره‌گیری از این ظرفیت‌های فناورانه می‌تواند نقش مؤثری در کاهش هزینه‌های دادرسی ایفا کند و با فراهم ساختن امکان استماع شهادت از راه دور، بدون نیاز به حضور فیزیکی شهود، گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت مقرون به صرفه برداشته شود؛ عدالتی که در عین حفظ اصول و ضوابط شکلی و ماهوی، بار اقتصادی آن برای طرفین دعوا به حداقل ممکن تقلیل یابد (وجدانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹۴۷).

در چارچوب نظام سنتی استماع شهادت شهود، اظهارات آنان اغلب به صورت مکتوب در قالب صورت جلسه‌هایی که توسط مقام قضایی تنظیم می‌گردد، ثبت و ضبط می‌شود. در مواردی که تعداد شهود زیاد بوده یا مفاد شهادت دارای جزئیات گسترده و پیچیده‌ای باشد، حجم این صورت جلسه‌ها به طور چشمگیری افزایش می‌یابد و در نتیجه، موجب حجیم شدن پرونده قضایی و کاهش انسجام اطلاعاتی آن می‌شود. افزون بر آن، با توجه به محدودیت‌های فیزیکی موجود در بایگانی اسناد و مدارک و احتمال آسیب‌پذیری و فرسودگی آنها، این گونه پرونده‌ها - به‌ویژه پس از گذشت مدت زمانی معین - ممکن است مطابق مقررات مربوط به امحای اوراق قضایی، معدوم شوند؛ امری که تداوم قابلیت استناد به شهادت‌ها را با چالش جدی مواجه می‌سازد. در مقابل، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فرایند استماع شهادت شهود، تحولی بنیادین و ساختاریافته در این زمینه ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که ضبط الکترونیکی اظهارات شهود، با وجود حجم اطلاعاتی مشابه، نیاز به فضای ذخیره‌سازی اندکی داشته و از یکپارچگی و قابلیت نگهداری بلندمدت برخوردار است، بدون آنکه نگرانی جدی از آسیب‌های فیزیکی یا معدوم‌سازی وجود داشته باشد. از سوی دیگر، در صورت نیاز به استفاده مجدد از محتوای شهادت در مراجع قضایی دیگر یا در ارتباط با پرونده‌ای متفاوت، این اطلاعات می‌توانند از طریق سامانه‌های تخصصی تبادل داده‌های قضایی، به شکلی سریع، ایمن و قابل ردیابی ارسال یا بازیابی شوند؛ مزیتی که برخلاف رویه سنتی، مانع از آن خواهد شد که قاضی به دلیل دشواری در ارسال فیزیکی پرونده یا ترس از مفقود شدن مستندات، از ارجاع سوابق به مرجع دیگر امتناع ورزد. بدین ترتیب، استفاده از فناوری‌های نوین نه تنها در افزایش کارآمدی فرایند استماع شهادت، بلکه در ارتقای کیفیت مستندسازی، تضمین ماندگاری و سهولت بهره‌برداری مجدد از داده‌های قضایی، نقشی مهم و انکارناپذیر ایفا می‌کند (نجف‌لو، ۱۴۰۱: ۳۰۳).

۳. شرایط قانونی پذیرش شهادت فناورانه به‌عنوان دلیل اصلی پرونده

پذیرش شهادت شهود در بستر فناوری‌های نوین به‌عنوان دلیل معتبر در فرایند دادرسی، منوط به رعایت ضوابط و شرایط قانونی خاص است؛ هرگونه تخطی از این الزامات می‌تواند اعتبار این نوع ادله اثبات را کاهش دهد و در چنین حالتی، ممکن است صرفاً به‌عنوان یک اماره قضایی تلقی شده و از مقام دلیل قاطع و مستقل ساقط شود. از این‌رو، قانونگذار ایران علاوه بر رعایت شرایط عمومی مربوط به شاهد و شهادت، مقررات ویژه‌ای را برای استماع الکترونیکی شهادت تدوین کرده است. در ادامه، این الزامات و شرایط قانونی بررسی می‌شوند تا چارچوب و محدوده اعتبار حقوقی این نوع شهادت روشن شود.

۳.۱. ۱. تعذر حضور فیزیکی شاهد در جلسه دادگاه

ماده ۱۸۶ ق.م.ا با عبارت «چنانچه حضور شاهد متعذر باشد»، استفاده از ابزارهای فناورانه را منوط به تحقق تعذر حضور فیزیکی شاهد کرده است. هرچند «تعذر» ظاهراً به عدم امکان مطلق اشاره دارد، اما به‌نظر می‌رسد شامل عدم امکان عرفی و معقول نیز باشد؛ بنابراین، علاوه بر سفر، حبس یا بیماری، حضور همراه با مشقت قابل توجه نیز مشمول تعذر است (مؤذن‌زادگان و مولایی، ۱۴۰۰: ۲۳۷؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۱). این برداشت موسع، با نظر فقهای شیعه که در پذیرش نهاد «شهادت بر شهادت»^۱ ضابطه‌ای مبتنی بر عرف را پذیرفته و مشقت در حضور فیزیکی را مانعی موجه دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۳۰ق: ۵۳۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۲۵۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۹) مطابقت دارد.^۲ باین‌حال، ماده ۱۸۶ ق.م.ا معیار مشخصی برای تعذر ارائه نکرده و تشخیص آن را به مقام قضایی واگذار کرده است. در این چارچوب، قاضی باید تعذر را در دو بُعد فردی و اجتماعی ارزیابی کند؛ تعذر فردی شامل بیماری، کهولت سن، عدم امکان سفر و تهدیدهای امنیتی، جانی، مالی و حیثیتی است؛ تعذر اجتماعی نیز به وضعیت‌های فراگیر مانند شیوع بیماری‌های واگیردار، بحران‌های طبیعی یا شرایط اضطراری سراسری اطلاق می‌شود که حضور فیزیکی را ناممکن می‌سازد (مؤذن‌زادگان و مولایی، ۱۴۰۰: ۲۲۷-۲۲۸). قانونگذار برای جمع میان الزام به حضور شهود و پیشگیری از تضییع حقوق اشخاص، عذرهای موجه عدم حضور شاهد را در سه دسته «قابل رفع»، «غیرقابل رفع ناشی از بیماری یا کهولت سن» و «غیرقابل رفع ناشی از عوامل غیرپزشکی» طبقه‌بندی کرده است. این وضعیت‌ها در ادامه تشریح و تحلیل می‌شوند.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص شرایط پذیرش شهادت بر شهادت در فقه امامیه؛ ر.ک: ملکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱-۲۵.
 ۲. از منظر اثباتی، شهادت ارائه‌شده از طریق فناوری‌های نوین، حتی نسبت به شهادت بر شهادت تقدم و برتری دارد، زیرا از طریق آن می‌توان از هویت، علم و میزان اطمینان شاهد نسبت به موضوع شهادت، به‌صورت مستقیم و بدون واسطه اطمینان یافت.

۳.۱.۱. وجود عذر موجه قابل رفع

در وضعیتی که عذر شاهد ماهیتی موقتی دارد و امکان رفع آن در آینده متصور است، قانونگذار سازوکاری تدریجی برای تضمین حضور وی پیش‌بینی کرده است. مطابق تبصره ۱ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک، بازپرس مکلف است ابتدا اعتبار عذر اعلامی را ارزیابی کند و در صورت احراز آن، اقدام به احضار مجدد شاهد نماید (مهاجری، ۱۴۰۲: ۱۰۷). این مسئله نشان می‌دهد که قانونگذار ضمن تأکید بر اهمیت حضور شهود در کشف حقیقت، به موانع موقت فردی نیز توجه داشته است. چنانچه شاهد پس از رفع عذر یا بدون دلیل موجه از حضور امتناع ورزد، مقام قضایی می‌تواند دستور جلب صادر کند؛ اختیاری که بیانگر ماهیت الزام‌آور تکلیف حضور فیزیکی در دادرسی است. همین‌الگو در مرحله دادرسی نیز توسط قاضی دادگاه دنبال می‌شود تا از اخلال در روند رسیدگی و تضييع حقوق اصحاب دعوا جلوگیری شود. همچنین در مواردی که شاهد در حوزه قضایی دیگری اقامت دارد، نیابت قضایی به‌عنوان راهکار مکمل پیش‌بینی شده است. توسل به نیابت قضایی در این موارد، در واقع، تلاشی برای حفظ کارکرد عینی اصل حضوری بودن رسیدگی است؛ بدین معنا که قانونگذار با پذیرش امکان استماع شهادت در مرجع قضایی دیگر، می‌کوشد مانع از بی‌اثر شدن اصل یادشده در اثر فاصله جغرافیایی شود و درعین‌حال، استمرار جریان دادرسی را تضمین کند. به بیان دیگر، نیابت قضایی نه جایگزین اصل حضور، بلکه ابزاری برای تحقق آن در صورت وجود موانع اجرایی است.

۳.۱.۲. وجود عذر موجه غیرقابل رفع ناشی از بیماری یا کهولت سن

در وضعیتی که عذر شاهد ناشی از ناتوانی جسمی بوده و زمان رفع آن پیش‌بینی‌پذیر نیست، قانونگذار با تعدیل قواعد سنتی دادرسی، سازوکارهایی متناسب با وضعیت خاص شاهد مقرر کرده است. طبق ماده ۳۲۱ ق.آ.د.ک، اگر شاهد به دلیل ناتوانی جسمی نتواند در دادگاه حاضر شود، رئیس شعبه یا یکی از قضات عضو شعبه باید شخصاً به محل اقامت شاهد مراجعه و اظهارات وی را استماع کند. همین رویکرد در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز پیش‌بینی شده است و ماده ۲۱۶ قانون مذکور، بازپرس را در موارد بیماری، کهولت سن، فوریت موضوع یا پراکندگی شهود، مجاز به مراجعه مستقیم به محل اقامت آنان می‌داند (خالقی، ۱۴۰۳: ۱۹۵). این مقررات نشان می‌دهد که قانونگذار ضمن حفظ اهمیت شهادت حضوری و مواجهه مستقیم قاضی با شاهد، در برابر موانعی که ماهیت پایدار و غیرقابل رفع دارند، از سخت‌گیری اجتناب کرده و راهکارهای مکمل پیش‌بینی کرده است. با این حال، چنانچه مراجعه مقام قضایی به محل اقامت شاهد نیز عملاً ممکن نباشد، توسعه سازوکارهای عدالت الکترونیک امکان استماع الکترونیکی شهادت را فراهم کرده است؛ مشروط بر احراز دقیق هویت شاهد، تضمین صحت فرایند و ثبت ایمن اظهارات. این

شیوه جایگزینی مشروع برای غلبه بر موانع فیزیکی بوده و بیانگر گذار تدریجی نظام دادرسی از الگوی سنتی ثابت به مدلی منعطف و کارآمد است که در آن، اصل دستیابی به حقیقت بر تشریفات شکلی مقدم دانسته می‌شود.

۳.۱.۳. وجود عذر موجه غیر قابل رفع ناشی از عوامل غیر پزشکی

در مواردی که شاهد به دلایلی غیر از بیماری یا کهولت سن قادر به حضور در جلسه دادرسی نباشد و این مانع ماهیتی پایدار یا غیر قابل رفع داشته باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک مقام قضایی می‌تواند از فناوری‌های نوین برای استماع شهادت استفاده کند. این سازوکار در حقیقت بخشی از سیاست تقنینی کلان برای انطباق دادرسی کیفری با تحولات فناورانه و تضمین استمرار رسیدگی در شرایط استثنایی است؛ به‌ویژه با توجه به چالش‌هایی مانند جابه‌جایی جغرافیایی، تهدیدهای امنیتی یا وضعیت‌های اضطراری که حضور فیزیکی اشخاص در مراجع قضایی را دشوار می‌سازد. در خصوص این وضعیت باید توجه داشت که دامنه عذرهای غیر پزشکی که مانع حضور فیزیکی شاهد می‌شوند گسترده است و می‌تواند شامل تهدیدهای امنیتی، حبس، اقامت در مناطق دورافتاده یا خارج از کشور، ممنوعیت خروج یا سایر عوامل قهری باشد؛ موانعی که برخلاف عذرهای پزشکی قابل رفع نیستند و استفاده از فناوری را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌کنند. به همین دلیل، در این موارد قانونگذار تکلیفی برای مراجعه مقام قضایی به محل استقرار شاهد مقرر نکرده است؛ زیرا ماهیت این موانع اصولاً ارتباط فیزیکی را ناممکن می‌سازد. تفکیک قانونگذار میان عذرهای پزشکی و غیر پزشکی نیز مبتنی بر همین واقعیت است: در موارد بیماری یا کهولت سن اغلب امکان ملاقات حضوری فراهم است، اما در عذرهای غیر پزشکی، عدم امکان حضور ماهیتی ساختاری و پایدار دارد.

در پایان این مبحث، شایسته است نکته‌ای بنیادین مورد تأکید قرار گیرد. هرچند ماده ۱۸۶ ق.م.ا و تبصره ۱ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک، «تعذر حضور فیزیکی شاهد» را شرط اصلی استماع شهادت فناورانه دانسته‌اند، اما با توجه به اطلاق ماده ۶۵۹ ق.آ.د.ک، به‌نظر می‌رسد قانونگذار - حداقل در ظاهر - با تعدیل موضع خود و صرف بیان شروط عام مانند احراز هویت، اعتبار اظهارات و ثبت مطمئن سوابق، گویی از شرط متعذر بودن حضور فیزیکی شاهد عدول کرده و شهادت در بستر فناوری‌های نوین را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته است. این برداشت از یک‌سو به دلیل آنکه ماده ۶۵۹ ق.آ.د.ک پس از مواد ۱۸۶ ق.م.ا و ۲۰۴ ق.آ.د.ک به تصویب رسید^۱ و عملاً بیانگر آخرین

۱. ماده ۱۸۶ ق.م.ا در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ و ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ به تصویب رسیده‌اند؛ این در حالی است که ماده ۶۵۹ ق.آ.د.ک در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ تصویب شد.

ارادهٔ قانونگذار در این خصوص است، از سوی دیگر با توجه به مصوبات اخیر قوهٔ قضائیه^۱ که نقش فناوری در جریان دادرسی و استماع شهادت شهود را مورد تأیید و حمایت قرار داده‌اند، تقویت می‌شود. ضمن اینکه افزایش چشمگیر و روزافزون تعداد جلسات دادرسی الکترونیکی در کشور و استقبال قضات از برگزاری این نوع جلسات در سال‌های اخیر نیز مؤید تغییر رویکرد نظام کیفری ایران نسبت به نقش فناوری در فرایند استماع شهادت شهود است.

۲.۳. انتساب‌پذیری شهادت به شخص شاهد

انتساب‌پذیری شهادت به معنای اطمینان از تعلق اظهارات به فرد مشخص است و نقش محوری در اعتبار اثباتی آن دارد. هرگونه تردید در هویت شاهد، حتی در صورت صحت مفاد اظهارات، امکان بررسی حسن‌نیت و آگاهی وی نسبت به موضوع شهادت را محدود کرده، قابلیت استناد به شهادت را کاهش داده و اصول دادرسی منصفانه را مخدوش می‌سازد. بنابراین، تضمین هویت دقیق شاهد، پیش‌شرط اساسی برای استناد به شهادت و حفظ توازن میان حقوق طرفین دعواست. در ادامه، این موضوع از زوایای فنی و حقوقی و همچنین در چارچوب نقد شرط وجود ادلهٔ مکمل، بررسی خواهد شد.

۱.۲.۳. چالش‌های فنی و ملاحظات حقوقی در احراز انتساب شهادت فناورانه

با گسترش استماع الکترونیکی، احراز انتساب‌پذیری شهادت با چالش‌های فنی و ملاحظات حقوقی شایان توجهی مواجه شده است. ارزیابی دقیق این چالش‌ها و ملاحظات مستلزم بررسی صحت ابزارهای فناورانه، اطمینان از اصالت داده‌ها و رعایت اصول بنیادین دادرسی است. رعایت این الزامات برای تضمین اعتبار ادله و تحقق عدالت کیفری ضرورت دارد و نقش مهمی در اعتماد به فرایند استماع شهادت و پیشگیری از تحریف یا سوءاستفاده ایفا می‌کند.

۱.۱.۲.۳. چالش‌های فنی

احراز صحت و اصالت انتساب شهادت به شاهد در دادرسی کیفری، با وجود مزایای فناوری‌های نوین در ارائهٔ ادله و دسترسی‌پذیری شهود، با چالش‌های فنی جدی همراه است. پیشرفت سامانه‌های دیجیتال اگرچه کارآمدی دادرسی را ارتقا بخشیده، لیکن امکان سوءاستفاده از ابزارهای فناورانه مانند تقلید صدا، تغییرات صوتی-تصویری مبتنی بر هوش مصنوعی، جعل هویت دیجیتال، دستکاری فایل‌ها و دسترسی غیرمجاز به سامانه‌ها را نیز افزایش داده است.

۱. «دستورالعمل هوشمندسازی و الکترونیکی شدن فرایندها و پرونده‌های قضایی» (مصوب ۱۴۰۳/۰۳/۲۷)، «دستورالعمل نحوهٔ تحقیق و رسیدگی با استفاده از سامانه‌های ارتباط الکترونیک» (مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۸) و «آیین‌نامهٔ اجرایی حمایت از شهود و مطلعان» (مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۷)

بنابراین، صرف ارائه شهادت از طریق ابزارهای فناورانه نشانگر تعلق واقعی اظهارات به شاهد نیست و مقام قضایی باید اطمینان حاصل کند که مفاد اظهارات مزبور منحصرأ به فرد معرفی شده به‌عنوان شاهد تعلق دارد (مصدق، ۱۴۰۲: ۸۵). در نظام کیفری ایران، ماده ۱۸۶ ق.م.ا شیوه‌های ارائه شهادت از راه دور را شامل شهادت کتبی غیرالکترونیکی، شهادت الکترونیکی کتبی، شهادت صوتی-تصویری زنده و ضبط‌شده برشمرده است. عدم اشاره صریح ماده به «شهادت صرفاً صوتی» موجب شده است برخی نویسندگان در اعتبار آن دچار تردید شوند (خدادی و خالدي، ۱۳۹۵: ۴۵). این تردید، اگرچه از منظر پیچیدگی‌های فنی و نگرانی‌های مربوط به احراز اصالت شهادت، قابل‌درک به‌نظر می‌رسد^۱، اما با توجه به اصول حاکم بر دادرسی کیفری و مواد قانونی مرتبط، به‌ویژه اطلاق ماده ۶۵۹ ق.ا.د.ک، نمی‌توان آن را ملاک قرار داد.^۲ ماده ۶۵۹ با عبارت «سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی»، بهره‌گیری از هر نوع ابزار فناورانه را مادام که اصالت و صحت انتساب قابل احراز باشد، مجاز می‌داند. چالش‌های فنی محدود به «صوت» نیست و به‌عنوان مثال در «شهادت کتبی الکترونیکی» نیز جعل، از جمله ایجاد هویت‌های ساختگی و دستکاری امضای دیجیتال، پیچیدگی‌های مشابهی به‌همراه دارد. بنابراین، دغدغه اصلی احراز انتساب قطعی اظهارات به شاهد واقعی است که مستلزم بررسی مسیر انتقال داده، کنترل صحت امضای دیجیتال و تحلیل نشانه‌های ارتباطی و محتوایی است. در نتیجه، فناوری هرچند می‌تواند ابزار تسهیل‌کننده دادرسی باشد، اما قابلیت ایجاد ظواهر ساختگی یا تحریف محتوا را نیز دارد و مقام قضایی باید با تکیه بر قرائن و ارزیابی‌های فنی معتبر، احراز کند که شهادت به شاهد معرفی شده تعلق دارد.

۳.۲.۱.۲. ملاحظات حقوقی

پذیرش شهادت فناورانه، علاوه بر الزامات فنی، مستلزم رعایت اصول بنیادین دادرسی کیفری و تحقق شرایط قانونی لازم برای اعتبار ادله است. ماده ۶۵۹ ق.ا.د.ک با پذیرش انواع سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی نشان می‌دهد که رویکرد قانونگذار ماهیت‌محور است و شیوه ارائه اهمیت کمتری دارد؛ یعنی استفاده از هر فناوری در اخذ شهادت مجاز است، مشروط بر آنکه اصالت و قابلیت انتساب اظهارات به شاهد احراز شود. بنابراین، تفاوت میان ابزارهای فناورانه - اعم از کتبی، صوتی یا صوتی-تصویری - تأثیری بر ارزش اثباتی ندارد و معیار اصلی، احراز هویت و

۱. شرایط پذیرش شهادت صوتی ضبط‌شده و سازوکارهای احراز صحت انتساب آن، به‌تفصیل در ماده ۶۸ «آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی» تبیین شده است. تدابیر مقرر در این ماده می‌تواند به‌عنوان الگویی کارآمد و الهام‌بخش برای محاکم ملی استفاده شود.

۲. برای دیدن نظر موافق مبنی بر پذیرش شهادت صوتی در نظام کیفری ایران، ر.ک: عظیم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۳۴؛ مؤنن‌زادگان و مولایی، ۱۴۰۰: ۲۳۹.

انتساب محتواس. تشخیص این شرایط با مقام قضایی است و هرگاه قاضی بر پایه داده‌های قانونی و قرائن معتبر احراز کند که اظهارات از سوی شاهد بیان شده است، ارزش اثباتی آن محفوظ خواهد بود؛ فارغ از اینکه از طریق ویدئوکنفرانس، پیام الکترونیکی یا فایل صوتی ارائه شده باشد. آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان نیز این برداشت را تأیید می‌کند. ماده ۱۳ شهادت صوتی را در کنار سایر شیوه‌های فناورانه به رسمیت شناخته و ماده ۱۴ قاضی را مکلف به احراز هویت شاهد، اعتبار محتوا و صحت فرایند ثبت و انتقال می‌داند. رعایت این الزامات، شرط اعطای ارزش اثباتی کامل به شهادت فناورانه است. ماده ۱۸۶ ق.م.ا نیز با پیش‌بینی انواع شهادت از راه دور، از جمله «شهادت کتبی الکترونیکی»، تصریح می‌کند که ملاک اعتبار «نوع ابزار» نیست، بلکه «اصلت و قابلیت اتکا» است. این ماده، همراه با مواد ۱۶۲ و ۱۷۶ ق.م.ا و ماده ۲۱۱ ق.آ.د.ک، امکان استناد به اظهارات فناورانه را حتی در صورت تحقق نیافتن کامل شرایط شاهد یا محتوا، فراهم می‌کند؛ در این موارد، اظهارات می‌توانند به‌عنوان اماره یا قرینه معتبر در کنار سایر ادله در تحصیل علم قاضی مؤثر باشند. بدین ترتیب، ملاحظات حقوقی موجود چارچوبی منظم برای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در دادرسی ایجاد می‌کند که ضمن تضمین اصلت و صحت شهادت، اصول عدالت کیفری و صلاحیت قاضی در ارزیابی محتوا را حفظ کرده و امکان استناد قضایی به شهادت فناورانه را فراهم می‌سازد.

۲.۲.۳. نقد شرط وجود ادله مکمل در پذیرش شهادت فناورانه

برخی نویسندگان، با استناد به تبصره ۲ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک، معتقدند پذیرش شهادت الکترونیکی منوط به وجود دلیل مکمل است و در صورت یگانگی شهادت، صدور حکم صرفاً بر اساس آن امکان‌پذیر نیست (مصدق، ۱۴۰۲: ۸۵). به اعتقاد آنان، در چنین فرضی، قاضی باید با قیاس اولویت یا وحدت ملاک از ماده ۲۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی، شخصاً نزد شاهد حاضر شده و اظهارات وی را مستقیم استماع نماید (خدادی و خالدی، ۱۳۹۵: ۴۴). به نظر می‌رسد این تفسیر با مبانی حقوقی و اصول تفسیری حاکم بر دادرسی منصفانه قابل انطباق نیست و از جهات متعدد واجد اشکال است. در ادامه، این ایرادات به صورت مستند و مستدل تحلیل خواهد شد.

۲.۲.۳.۱. عدم انطباق با نظام‌مند بودن اعتبار ادله در قوانین شکلی و ماهوی

اگر قانونگذار قصد داشت وجود دلیل مکمل را شرط ماهوی اعتبار شهادت فناورانه بداند، باید این الزام را به صورت صریح در مقررات ناظر بر ماهیت ادله، به‌ویژه در مواد ق.م.ا، بیان می‌کرد. اما تبصره ۲ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک تنها ناظر بر ترتیبات شکلی و نحوه استماع شهادت است و چنین شرط بنیادینی را مقرر نمی‌کند. قواعد شکلی، از جمله ماده ۲۰۴، صرفاً سازوکارهای اجرایی را تبیین می‌کند و تعیین حدود ماهوی اعتبار دلیل در صلاحیت آنها نیست. بنابراین استنباط

بی‌اعتباری شهادت فناورانه بدون دلیل مکمل، با اصل تفکیک قوانین شکلی و ماهوی و تفسیر مضیق ادله کیفری سازگار نیست. افزون بر این، چنین برداشتی می‌تواند محدودیتی غیرضروری بر ظرفیت قانونی شهادت فناورانه ایجاد کرده و انسجام نظام ادله را مخدوش سازد. تبصره ۲ ماده ۲۰۴ باید در چارچوب نظام ادله و همراه با مواد ماهوی، از جمله ۱۶۱ و ۱۸۶ ق.م.ا، تفسیر شود تا اعتبار مستقل شهادت و هماهنگی قوانین شکلی و ماهوی حفظ گردد. در نتیجه، ضرورت دلیل تکمیلی به صورت مطلق قابل توجیه نیست و تنها در مواردی که نصاب ماهوی شهادت رعایت نشده باشد، می‌توان محدودیت‌هایی اعمال کرد.

۳.۲.۲. تعارض با فلسفه دادرسی و کشف حقیقت

هدف نهایی دادرسی کیفری، تحقق عدالت و کشف حقیقت از طریق رعایت اصول آیین دادرسی منصفانه است. تحمیل شرط وجود دلیل مکمل برای اعتبار شهادت فناورانه، به‌ویژه در پرونده‌هایی که این شهادت تنها دلیل موجود است، می‌تواند به محرومیت طرف دعوا از اثبات حق خود منجر شود و مسیر تحقق عدالت کیفری را مختل سازد. هیچ ماده قانونی، اعم از قوانین داخلی یا بین‌المللی، چنین محدودیتی را برای شهادت با هویت محرز و دریافت‌شده در چارچوب اصول دادرسی منصفانه پیش‌بینی نکرده است. پذیرش این تفسیر می‌تواند با فلسفه حقیقت‌محور نظام کیفری تعارض داشته و ظرفیت‌های فناورانه برای احقاق حق را نادیده بگیرد. محدود کردن استناد به شهادت فناورانه به شرط دلیل مکمل، در واقع مانعی غیرموجه در مسیر تحقق عدالت و کشف حقیقت ایجاد می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که باید میان شرایط ویژه، مانند شهادت ناقص یا شاهد ناشناس و مواردی که هویت و اصالت اظهارات تضمین شده، تفاوت قائل شد تا استفاده از فناوری در دادرسی محدود یا بی‌اثر نشود و فرایند رسیدگی همسو با فلسفه عدالت و کشف حقیقت باقی بماند.

۳.۲.۳. تعارض با اطلاق ماده ۱۶۱ ق.م.ا و موازین بین‌المللی حقوق بشر

ماده ۱۶۱ ق.م.ا «شهادت» را به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوی کیفری بدون پیش‌بینی هیچ شرط اضافی به رسمیت می‌شناسد. از این‌رو، تفسیر مبتنی بر تبصره ۲ ماده ۲۰۴ ق.ا.د.ک که اعتبار شهادت فناورانه را منوط به ارائه ادله مکمل تلقی می‌کند، با اطلاق حکم مقرر در ماده ۱۶۱ تعارض دارد و به محدودسازی غیرموجه یکی از ادله رسمی و پذیرفته‌شده منجر می‌شود. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز ضرورت وجود دلیل تکمیلی صرفاً در خصوص «شهود گمنام» پیش‌بینی شده است، زیرا در این موارد عدم امکان احراز هویت شاهد از سوی متهم و فقدان مواجهه مستقیم آنان با یکدیگر، اصول بنیادین دادرسی منصفانه و حق دفاع مؤثر را مخدوش می‌سازد. بنابراین، در مواردی که هویت شاهد محرز است و اظهارات وی در چارچوب اصول

دادرسی صحیح دریافت می‌شود و امکان احراز اصالت و صحت انتساب از طریق ابزارهای فنی و نظارت قضایی فراهم است، تکلیف به ارائه دلیل مکمل فاقد مبنای قانونی است. در نتیجه، تعمیم این الزام به سایر انواع شهادت فاقد پشتوانه حقوقی داخلی و بین‌المللی است و نمی‌تواند مستمسکی برای تحدید اعتبار شهادت فناورانه محسوب شود.

۴. نتیجه

با توجه به نقش بنیادین شهود در فرایند دادرسی، نظام‌های کیفری همواره در پی ایجاد سازوکارهایی برای تسهیل مشارکت مؤثر آنان بوده‌اند. تحول فناوری‌های ارتباطی و ضرورت انطباق رویه‌های قضایی با اقتضانات نوین -از جمله بحران‌هایی مانند بیماری‌های همه‌گیر- موجب شده است که دادرسی کیفری، که پیشتر بر حضور فیزیکی و مواجهه مستقیم استوار بود، در بسترهای فناورانه نیز قابلیت اجرا یابد. استفاده از این ابزارها می‌تواند امنیت شهود را افزایش دهد، فرایند استماع را تسهیل کند، رسیدگی را تسریع و هزینه‌ها را کاهش دهد و داده‌ها را به‌طور پایدار حفظ کند. قانونگذار ایران نیز در ماده ۱۸۶ ق.م.ا و مقررات مرتبط، امکان استماع شهادت در بستر فناوری‌های نوین را با رعایت شرایط مشخص پذیرفته است. بر این اساس، هرگاه حضور فیزیکی شاهد ممکن نباشد و هویت او، صحت و انتساب اظهارات و سایر شرایط قانونی احراز شود، شهادت الکترونیکی از اعتبار قانونی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان دلیل اصلی مورد استناد قرار گیرد. احراز این شرایط بر عهده قاضی و مراجع ذی‌صلاح است که باید با دقت به موضوع رسیدگی کنند.

با وجود چالش‌هایی نظیر تضعیف نقش شهادت حضوری، احتمال تضییع حق متهم در بهره‌مندی از دادرسی ترافعی و برخی محدودیت‌های فنی و ساختاری، اتخاذ سیاست‌های مناسب و رعایت الزامات اجرایی می‌تواند آثار منفی را کاهش دهد. بدیهی است بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های فناورانه در فرایند دادرسی، مستلزم فراهم‌سازی بسترهای فرهنگی، آموزشی و تجهیزاتی در سطح جامعه و به‌ویژه قوه قضاییه است. توسعه زیرساخت‌های فنی، ابزارها و آموزش مستمر قضات و کارکنان دستگاه قضایی، از ارکان اصلی تحقق دادرسی فناورانه به‌شمار می‌رود، زیرا بدون فراهم بودن این مقدمات، کارآمدی ابزارهای نوین در خدمت عدالت با چالش‌ها و محدودیت‌های عملی مواجه خواهد شد. با توجه به نقش مؤثر شهادت الکترونیکی در تسریع رسیدگی، ارتقای شفافیت و افزایش کیفیت دادرسی، تدوین راهبردهایی برای توسعه و بهبود این نهاد در نظام کیفری ایران ضروری می‌نماید. در این زمینه، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

راهبردهای پیشنهادی با هدف تقویت زیرساخت‌های فناورانه و امنیت سایبری

۱. تحقق کارآمد اخذ شهادت در بستر فناوری‌های نوین، مستلزم توسعه زیرساخت‌های فنی پیشرفته و بازطراحی محیط فیزیکی دادگاه‌هاست. تجهیز دادگاه به سامانه‌های ویدئوکنفرانس باکیفیت، نمایشگرهای چندرسانه‌ای، ابزارهای دقیق ضبط جلسات و میکروفن‌های حساس، از الزامات این فرایند است. همچنین فضای دادگاه باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان ارتباط زنده، ایمن و بدون اختلال میان شهود و قاضی را فراهم سازد. در فقدان این سطح از آمادگی فنی و محیطی، نهاد شهادت فناورانه از سطح نظری فراتر نرفته و قابلیت اجرایی مؤثر نخواهد داشت؛

۲. طراحی زیرساخت‌های نرم‌افزاری یکپارچه برای ثبت، احراز هویت، ضبط و ذخیره‌سازی شهادت‌های الکترونیکی ضروری است. این سامانه‌ها باید با بهره‌گیری از فناوری رمزنگاری پیشرفته، امکان استفاده از امضای دیجیتال، ضبط تصویری همراه با مهر زمانی دقیق، تهیه گزارش‌های رسمی قابل استناد و نگهداری سوابق را فراهم سازند. سهولت استفاده و طراحی کاربرمحور نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان پذیرش این ابزارها در میان کاربران خواهد داشت. همچنین اتصال و همگام‌سازی این سامانه‌ها با اجزای دادرسی الکترونیکی مانند مدیریت پرونده، ابلاغ الکترونیکی و دفاتر خدمات قضایی، برای انسجام فرایند رسیدگی ضروری است؛

۳. با توجه به تهدیدهایی مانند جعل، نفوذ، اختلال یا سرقت داده در محیط‌های دیجیتال، حضور مستمر متخصصان فناوری اطلاعات در مراحل طراحی، اجرا و ارزیابی سامانه‌های شهادت الکترونیکی، ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌شود. این متخصصان با شناسایی نقاط آسیب‌پذیر، انجام تست‌های امنیتی دوره‌ای، تضمین حفاظت از داده‌ها و ارائه آموزش‌های فنی به قضات و کارکنان، نقش مهمی در صیانت از اعتبار و ایمنی این فرایند ایفا می‌کنند. در پرونده‌های حساس یا خاص، حضور کارشناسان امنیت سایبری، تضمینی فنی برای پذیرش قضایی شهادت محسوب می‌شود.

راهبردهای پیشنهادی با هدف ارتقای چارچوب حقوقی، آموزشی و فرهنگی

۱. برای بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های شهادت فناورانه در دادرسی کیفری، اصلاح و تبیین دقیق مقررات قانونی، ضروری است. هرچند مقررات موجود - از جمله ماده ۱۸۶ ق.م.ا و تبصره ۲ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک - به‌طور اجمالی استماع الکترونیکی شهادت را پیش‌بینی کرده‌اند، اما فقدان دستورالعمل‌های روشن، زمینه‌ساز بروز چالش‌های تفسیری و عملی شده است. لازم است مفاهیم حقوقی مرتبط، قواعد حقوقی ناظر بر الزامات فنی، سازوکار احراز هویت، ضمانت اجرای نقض

امنیت یا محرمانگی اطلاعات و مسئولیت نهادهای ذی‌ربط، با صراحت مشخص شود تا بستر قانونی امن و مؤثر برای استفاده از این شیوه نوین استماع فراهم شود؛

۲. یکی از مؤلفه‌های کلیدی در موفقیت شهادت فناورانه، ارتقای دانش و مهارت عملی نیروی انسانی دستگاه قضایی است. با توجه به ناآشنایی بسیاری از قضات و کارکنان با ابزارهای دیجیتال، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند، در سه محور اصلی ضروری به‌نظر می‌رسد: الف) آشنایی با سامانه‌های الکترونیکی؛ ب) درک ابعاد حقوقی و چالش‌های شهادت فناورانه؛ ج) شناخت مباحث مرتبط با امنیت اطلاعات. این برنامه‌ها باید تخصصی، به‌روز، مستمر و متناسب با وظایف شغلی ارائه شوند تا توانمندی فنی و حقوقی نیروها تثبیت شود و ارتقا یابد.

۳. پذیرش عمومی شهادت در بستر فناوری‌های نوین نیازمند شکل‌گیری فرهنگ فناوری‌پذیری در سطح دستگاه قضایی و جامعه حقوقی است. تحقق این هدف مستلزم اقداماتی مانند تولید محتوای آموزشی تخصصی، برگزاری نشست‌های علمی و فنی، راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای و تدوین راهنماهای کاربردی و عملیاتی است. هم‌زمان، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی کشور، به‌ویژه در مناطق محروم، برای تأمین دسترسی برابر به عدالت فناورانه امری ضروری است. علاوه‌براین، نهادهای حاکمیتی با تدوین استانداردهای ملی و نظارت مستمر بر اجرای آنها، باید زمینه اجرای منسجم و عادلانه شهادت الکترونیکی را فراهم سازند.

منابع

الف) فارسی

۱. آقابائی طاقانکی، عظیم؛ کردعلیوند، روح‌الدین (۱۴۰۳). دادرسی عادلانه در چنبره مدیریت‌گرایی دیجیتال سامانه کیفری. حقوق فناوری‌های نوین، ۵(۹)، ۱۶۹-۱۸۴.
۲. ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ یاری، الیاس؛ پاکزاد، مهرداد؛ طالقان غفاری، مهدی (۱۴۰۱). امکان‌سنجی دادرسی علنی در فضای مجازی. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۳(۳)، ۴۶۱-۴۸۲.
۳. حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۱). اثر تعذر حضور شاهد برای ادای گواهی. حقوق اسلامی، ۹(۳۵)، ۹۵-۱۱۱.
۴. حیدری، الهام (۱۴۰۰). مؤلفه‌های مؤثر در ارزیابی اصل مهلت معقول در دادرسی کیفری (با نگاه بر رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر). پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۸(۴)، ۱۴۹-۱۸۲.
۵. خالقی، علی (۱۴۰۳). آیین دادرسی کیفری. ج ۱، چ چهل‌وهشتم، تهران: شهر دانش.
۶. خالقی، علی (۱۴۰۰). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چ هفدهم، تهران: شهر دانش.
۷. خالقی، علی (۱۳۸۳). علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی. پژوهش‌های حقوقی، ۳(۵)، ۲۹-۴۹.

۸. خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۱). برگزاری ۲۲۵ هزار جلسه دادرسی الکترونیک در سال گذشته. قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/1401040502727> [آخرین مشاهده: ۱ شهریور ۱۴۰۳].
۹. خبرگزاری صداوسیما (۱۴۰۲). برگزاری بیش از ۵۱۷ هزار دادرسی الکترونیک در سال گذشته. قابل دسترسی در: <https://www.iribnews.ir/fa/news/3845048> [آخرین مشاهده: ۱ شهریور ۱۴۰۳].
۱۰. خبرگزاری میزان (۱۳۹۵). برگزاری دادگاه به صورت ویدئوکنفرانس برای اولین بار در کشور. قابل دسترسی در: <https://www.mizanonline.ir/fa/news/180465> [آخرین مشاهده: ۱ شهریور ۱۴۰۳].
۱۱. خدادی، ابوالقاسم؛ خالدی، علی (۱۳۹۵). شهادت از راه دور (تحلیل ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۴(۷)، ۳۳-۵۶.
۱۲. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۳۰ق). الروضه البهیه فی شرح اللمه دمشقیه. ج ۱، چ اول، قم: دارالعلم.
۱۳. عظیم‌زاده، شادی (۱۴۰۰). کمک حافظه آیین دادرسی کیفری. ج ۲، چ پانزدهم، تهران: دوراندیشان.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. ج ۶، چ چهارم، تهران: دارالکتب العلمیه.
۱۵. طهماسی، جواد (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری. ج ۲، چ چهارم، تهران: میزان.
۱۶. غلاملو، جمشید (۱۴۰۲). محکومیت بی‌گناهان؛ رویکرد میان‌رشته‌ای به ادله اثبات کیفری. چ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. فلاح، محمدرضا؛ دهقانی، مجید؛ هاشمی، سید جعفر (۱۴۰۱). تعارض ادله سنتی و الکترونیکی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۱)، ۳۳۶۲-۳۳۸۹.
۱۸. مصدق، محمد (۱۴۰۲). آیین دادرسی کیفری. ج ۳، چ اول، تهران: جنگل.
۱۹. ملکی، محمدمبین؛ کشاورز، علی؛ عسگری، علیرضا (۱۴۰۰). احراز تعدد و تعسر شاهد اصل؛ قاعده‌گزینی شرط پذیرش شهادت بر شهادت. مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۴(۲۷)، ۱-۲۵.
۲۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ اختری، عباس (۱۳۹۷). بررسی رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری به حقوق شاهد و مطلع در مرحله تحقیقات مقدماتی و میزان انطلاق آن با اسناد بین‌المللی منطقه‌ای. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۶(۱۲)، ۹۹-۱۲۳.
۲۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ سلیمان دهکردی، الهام؛ یوشی، مهشید (۱۳۹۴). حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری. پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱)، ۶۹-۹۷.
۲۲. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ عابدی نیستانک، امیرحسین (۱۴۰۲). امکان‌سنجی اقدامات بازپرس در فرایند دادرسی الکترونیکی. مجله حقوقی دادگستری، ۸۷(۱۲۳)، ۲۶۷-۲۹۲.

۲۳. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ مولاییگی، علی (۱۴۰۰). بررسی حقوقی- فقهی شهادت از راه دور با نگاهی به دیدگاه دادگاه کیفری یک استان تهران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۶(۹۴)، ۲۲۳-۲۴۹.
۲۴. مهاجری، علی (۱۴۰۲). آیین رسیدگی در دادسرا. ج ۱، چ دوازدهم، تهران: فکرسازان.
۲۵. نجفلو، رضا (۱۴۰۱). شهادت در دعاوی. چ دوم، تهران: دادگستر.
۲۶. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. ج ۴۱، چ هفتم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۷. واحد خبر مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه «مافا» (۱۴۰۳الف). ۹۲ درصد دادرسی‌ها در تهران به صورت الکترونیک برگزار می‌شود، قابل دسترسی در: <https://mafa.eadl.ir/news/205742> [آخرین مشاهده: ۵ شهریور ۱۴۰۳].
۲۸. واحد خبر مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه «مافا» (۱۴۰۳ب). رسیدگی‌های قضایی باید به شکل الکترونیک و هوشمندانه باشد، قابل دسترسی در: <https://mafa.eadl.ir/news/544> [آخرین مشاهده: ۵ شهریور ۱۴۰۳].
۲۹. وجدانی، اسماعیل؛ محمدی، سام؛ حسینی مقدم، سیدحسن (۱۴۰۳). اصل تناظر در دادرسی الکترونیکی با نگاه به حقوق آمریکا. مطالعات فقه اقتصادی، ۶(۵)، ۹۳۹-۹۵۶.
۳۰. هادی‌تبار، اسماعیل؛ یعقوبی کلوردی، محمدکاظم (۱۴۰۲). ادله اثبات الکترونیکی در دادرسی‌های کیفری در نظام حقوقی ایران. فقه جزای تطبیقی، ۳(۱)، ۱۱۳-۱۲۳.

ب) انگلیسی

31. Bellone, E. (2013). Private Attorney-Client Communications and the Effect of Videoconferencing in the Courtroom”, *Journal of International Commercial Law and Technology*, 8(1), 24-48.
32. Bentham, J. (1838). *The Works of Jeremy Bentham*, Vol.7 (Introductory View of the Rationale of Judicial Evidence), Edinburgh: William Tait.
33. Biasiotti, M. (2018). *Present and Future of the Exchange of Electronic Evidence in Europe*. London: Springer.
34. Fielding, N.; Braun, S. & Hieke, G. (2020). *Video Enabled Justice Evaluation*. Sussex Police & Crime Commissioner & University of Surrey, Final Report Version 11.
35. Jaconelli, J. (2002). *Open Justice: A Critique of the Public Trial*. New York: Oxford University Press.
36. Magner, E. (1995). The Best Evidence - Oral Testimony or Documentary Proof?. *UNSW Law Journal*, 18(1), 67-94.

37. New South Wales Department of Justice (2012). *Supporting Victims and Witnesses of Crime Through the Court, Process, (Justice Journey Court Preparation Guide)*. Sydney: Victims Services.
38. Nguyen, D. & Canny, J. (2009). More than Face-to-Face: Empathy Effects of Video Framing. *Proceedings of the 27th International Conference on Human Factors in Computing Systems*, Boston.
39. Rowden, E. & Wallace, A. (2019). Performing Expertise: The Design of Audiovisual Links and the Construction of the Remote Expert Witness in Court, *Social & Legal Studies*, 28(5), 698–718.
40. Sanders, A. (2021). Video-Hearings in Europe Before, During and After the COVID-19 Pandemic. *International Journal for Court Administration*, 12(2), 1-21.
41. Simonson, J. (2014). The Criminal Court Audience in a Post-Trial World. *Harvard Law Review*. 127(8), 2173-2232.
42. Turner, J. (2021), Remote Criminal Justice, *Texas Tech Law Review*, 53(2), 197-271.
43. Zaroni, L.; Bochenek, A. & Freitas, V.D. (2020). *International Survey of the Judiciary System: COVID 19 Pandemic*. Virginia: International Association for Court Administration.

ج) احکام و گزارش‌ها

44. Al-Khawaja & Tahery v. The United Kingdom, ECtHR (No.26766/05), 2009.
45. Aloeboetoe v. Suriname, IACtHR (Series C, No.15), 1993.
46. Idalov v. Russia, ECtHR (No.5826/03), 2012.
47. Jussila v. Finland, ECtHR (No.73053/01), 2006.
48. Kostovski v. The Netherlands, ECtHR (No.11454/85), 1989.
49. Maryland v. Craig, Supreme Court of the United States (No.89-478), 1990.
50. McFarlane v. Ireland, ECtHR (No.3133/06), 2010.
51. Mirilashvili v. Russia, ECtHR (No.6293/04), 2008.
52. Van Mechelen et al. v. The Netherlands, ECtHR (No.21363/93), 1997.

53. General Comment, No.32, HRC (U.N.Doc. No.CCPR/C/GC/32), 2007.
54. Resolution on the Right to Recourse and Fair Trial, ACHPR (Res.4XI/92), 1992.
55. Second Report on the Situation of Human Rights in Colombia, IACmHR (OEA/Ser. L/V/II.84, Doc.39 rev), 1993.

